

درس اول

الدِّينُ وَالتَّوَدُّعُ



دانش‌آموزان عزیز:

با توجه به اینکه در امتحان نهایی پایه دوازدهم بین ۶ تا ۷ نمره از مطالب و قواعد سال‌های هفتم تا یازدهم سؤال داریم، توصیه جدی می‌کنیم که اگر در این بخش ضعیف هستید، قبل از شروع سال دوازدهم، حتماً به «بخش ویژه» در انتهای کتاب بروید و آن‌ها را مطالعه و مرور کنید؛ زیرا در هر درس تمرین‌های قابل توجه و پربارمی از پایه خواهیم داشت.

حروف مشبّهه و «لا» نفي جنس



مشاوره: قواعد این درس درباره حروف مشبّهه بالفعل و «لا» نفي جنس است، اما عملاً محتوای این دو موضوع، قواعدی نیست و بیشتر مربوط به ترجمه و اترمعنایی این دو جمله است. پس درس یک قواعد چندانی ندارد و باید کاربرد آن را در قسمت ترجمه یاد بگیرید که مثلاً «إِنَّ» چگونه ترجمه می‌شود یا فعل مضارع بعد از «لیت» و «لعل» چگونه ترجمه می‌شوند یا در ترجمه «لا» نفي جنس چگونه عمل می‌کنیم و... در امتحانات مختلف هم نهایت سؤالی که از قواعد این درس می‌آید، بحث شناخت این حروف است که مثلاً حرف مشبّهه را پیدا کنید یا «لا» نفي جنس کدام است؟ اما نکته بعدی، حجم درس یک است؛ این درس لغات و عبارات قابل توجهی دارد و جزو درس‌های مُفَصَّل به حساب می‌آید، پس طبیعتاً لغات و جملاتش غالباً در آزمون‌های مختلف مورد سؤال است.

البته اگر سؤالات این درس را توزیع کنید متوجه می‌شوید که سایر موضوعات مثل نقش‌یابی (محل اعرابی) یا تعیین انواع اسم یا تحلیل صرفی و... نیز قسمت قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند، چون که درس اول بوده است و عملاً یک‌سری تمرین هم برای تسلط بیشتر شما بر پایه آورده‌ایم، پس به‌طور کلی درس یک در موضوعات مختلف، مُفَصَّل و نسبتاً پُر حجم است ولی سایر درس‌ها حجم کم‌تری خواهند داشت.

درستنامه قواعد درس اول

۱ البته حواستان باشد که ترجمه شدن «إِنَّ» اختیاری است و می‌توان آن را ترجمه نکرد؛ چراکه بسیاری از اوقات «إِنَّ» به‌عنوان تکیه‌کلام در ابتدای جمله می‌آید و محتوای جمله به‌گونه‌ای نیست که مورد تأکید باشد و یک جمله عادی داریم؛ اما اگر «إِنَّ» بخواهد ترجمه شود حتماً ابتدای جمله می‌آید نه وسط یا آخر جمله، پس یا «إِنَّ» را ترجمه نمی‌کنیم یا اگر ترجمه کردیم حتماً اولین کلمه در جمله فارسی می‌آید.

مثال: إِنَّ التَّلْمِيذَ يَجْتَهِدُ.

- قطعاً دانش آموز تلاش می‌کند.
- دانش آموز تلاش می‌کند.
- دانش آموز قطعاً تلاش می‌کند.

• إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ.

- حتماً خدا داناترین است.
- خدا داناترین است.
- خدا حتماً داناترین است.

۲ البته توصیه می‌کنیم که در سؤالات امتحان نهایی که از شما می‌خواهند یک جمله را ترجمه کنید، حتماً «إِنَّ» را در ترجمه بیاورید تا جای شک و شبهه‌ای در تصحیح و نمره‌دهی نباشد.

۳ دقت کنید بعد از موارد زیر، اولی جمله محسوب می‌شود و «إِنَّ» می‌آید نه «أَنَّ»:

۱- قال، يقول، قُل، قِيلَ، يُقَالُ، قَائِلًا ۲- فَ ۳- وَ ۴- : ۵- منادی

مثال: قَالَ الْفَائِزُ: إِنَّ الْعَدُوَّ قَرِيبٌ مِنَّا.

← فرمانده گفت: حقیقتاً دشمن به ما نزدیک است.

حروف مُشَبَّهَةٌ بالفعل

حروف مُشَبَّهَةٌ عبارت‌اند از: «إِنَّ، أَنْ، لَكِنَّ، كَأَنَّ، لَعَلَّ، لَيْتَ» این حروف حتماً بر سر جمله اسمیه می‌آیند و آن‌ها را از نظر معنایی تغییر می‌دهند و مفهوم و منظور جدیدی به جمله می‌دهند؛ پس در همین ابتدا دقت کنید که این حروف هرگز مستقیماً با فعل نمی‌آیند و حتماً بعد از آن‌ها اسم، ضمیر یا جار و مجرور می‌آید.

مثال: لَعَلَّ السَّيَّارَةَ تَصِلُ.

• لَعَلَّ تَصِلُ السَّيَّارَةُ.

• إِنَّ الْمُشْتَرِيَّ يَنْظُرُ إِلَى الْبَضَائِعِ.

• إِنَّ يَنْظُرُ الْمُشْتَرِيَّ إِلَى الْبَضَائِعِ.

کاربرد معنایی حروف مُشَبَّهَةٌ بالفعل

۱ «إِنَّ» همواره ابتدای جمله می‌آید، معنای «حتماً، قطعاً، بی‌شک، بی‌گمان» (قیدهای تأکیدی) دارد و بر تمام جمله پس از خود تأکید می‌کند (نه یک اسم، فعل یا بخشی از جمله).

مثال: إِنَّ الدِّينَ أَكْرَمُ الْإِنْسَانِ. ← همانا دین، انسان را گرامی داشت.

رکن مورد تأکید

• إِنَّ الْأَطْفَالَ يَحْتَاجُونَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ. ← به‌درستی کودکان به توجه نیاز دارند.

رکن مورد تأکید

تذکره: ۱ در دو مثال بالا، ارکان مورد تأکید را مُعَيَّن کرده‌ایم؛ اما بد

نیست بدانید وقتی می‌خواهیم به عربی بگوییم کل جمله مورد تأکید است از این اصطلاحات استفاده می‌کنیم:

«تُوَكِّدُ كُلَّ الْجُمْلَةِ، التَّأَكِيدُ عَلَى الْجُمْلَةِ بِكَامِلِهَا، كُلُّ مَا بَعْدَهَا يُوَكِّدُ جَمِيعاً (بِاجْمَعِهَا)»



• «و إن: گرچه، حتی اگر، هرچند» وسط جمله و قبل از فعل می‌آید و مضارع التزامی می‌سازد.

مثال: أَنْتَ فَائِزٌ وَ إِن فَشَلْتَ. ← تو برنده‌ای گرچه شکست بخوری.

۳ **كَانَ:** به معنای «گویی، مانند، مثل» است و بیانگر «تصوّر و گمان گوینده یا تشبیه» می‌باشد؛ پس «كَانَ» دو کاربرد متفاوت و جداگانه دارد: «گمان» و «تشبیه»

■ **مثال:** كَانُ السَّمَاءِ سَقْفًا. ← آسمان مثل یک سقف است. (تشبیه)

• كَانُ الْعَمَلِ تَمًّا. ← گویی کار کامل شده است. (گمان)

• كَانُ الْأَبِّ جَبَلًا. ← پدر مانند یک کوه است. (تشبیه)

• كَانُ السُّؤَالَاتِ صَعْبَةً. ← گویی سوالات، سخت است. (گمان)

⚠ **تذکره:** ۱ اگر «كَانَ» بیانگر «تشبیه» باشد، حتماً با دو اسم می‌آید؛ زیرا تشبیه دورکن (اسم) دارد؛ مُشَبَّه و مُشَبَّه به. پس اگر «كَانَ» با دو اسم نیامد، قطعاً بر «گمان» دلالت دارد نه «تشبیه»؛ ولی اگر با دو اسم آمد باید بررسی کنیم که برای تشبیه به کار رفته یا گمان.

این نکته در ترجمه درست «كَانَ» مهم است.

۲ حواستان باشد «كان: بود» فعل ناقصه است؛ آن را با «كَانَ: گویی، مثل» اشتباه نگیرید.

۴ **لَكِنَّ:** به معنای «ولی، اما» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله قبل از خودش می‌آید و بین دو جمله قرار می‌گیرد. (لَكِنَّ = وَلَكِنْ)

■ **مثال:** عَفَا اللَّهُ عَنْكُمْ وَلَكِنَّ بَعْضَكُمْ لَم يَتُؤْمِنُوا. ← خداوند از شما درگذشت، ولی برخی از شما ایمان نیاوردید.

• حَاوَلْتُ لِلْإِمْتِحَانِ لَكِنَّ اجْتِهَادِي مَا كَانَ كَافِيًا. ← برای امتحان تلاش کردم، اما تلاشم کافی نبود.

⚠ **تذکره:** ۱ تمام حروف مشبهة اول جمله می‌آیند، به جز «أَنَّ» و «لَكِنَّ» که وسط جمله می‌آیند.

۲ معمولاً جمله قبل و بعد از «لَكِنَّ» از لحاظ معنایی در تضاد با هم هستند.

مثال: نَحْنُ نَفُورٌ لَكِنَّكُمْ تَخْسِرُونَ. ← ما رستگار می‌شویم؛ ولی شما زیان می‌بینید.

• الْحَيَاةُ تَمُرُّ وَلَكِنَّ الْإِنْسَانَ غَافِلٌ. ← زندگی می‌گذرد، ولی انسان غافل است.

• كَرَسْتُ كَثِيرًا وَلَكِنِّي نَجَحْتُ. ← بسیار درس خواندم؛ ولی موفق شدم.

← غلط است؛ چون تضاد ندارند. برای مثال باید این‌گونه می‌گفت: «و نَجَحْتُ؛ و موفق شدم»

۳ دقت کنید «لَكِنَّ: ولی، اما» (بدون تشدید) جزو حروف مشبهة نیست.

۴ «لَ + كُنْ» به معنای «برای شما» جار و مجرور است، آن را با «لَكِنَّ» اشتباه نگیرید.

مثال: قُلْتُ لَكِنَّ: لَا تَيَاسُنْ. ← به شما گفتم: مایوس نشوید.

• أَمْنِي لَكِنَّ الْخَيْرِ. ← برای شما خیر و خوبی آرزو دارم.

• یا صدیقی إِنَّ الْفُرْصَةَ لَا تَرْجَعُ.

← ای دوستم! به درستی که فرصت باز نمی‌گردد.

• لَا تَيَاسُنْ فَإِنَّ الْيَاسَ قَاتِلُ الرُّوحِ.

← مایوس نشو به درستی که (زیرا) یأس قاتل روح است.

۴ گاهی «إِنَّ» معنای «زیرا، چراکه» می‌دهد، در این حالت غالباً «إِنَّ» بعد از فعل امر یا نهی می‌آید و در واقع پس از یک جمله قرار می‌گیرد.

مثال: لَا تَغْضَبْ إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. ← خشمگین مشو زیرا عصبانیت مایه تباهی است.

• إِزْحَمِ الْفَقِيرَ إِنَّ الْفَقْرَ يَزُولُ. ← به فقیر رحم کن؛ زیرا فقر از بین می‌رود.

• «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» ← غمگین مشو؛ زیرا خدا با ما است.

۲ **أَنَّ:** بین دو جمله می‌آید، معنای «که» دارد، دو جمله را به هم وصل می‌کند و پیوند می‌دهد؛ پس بر خلاف «إِنَّ» که ابتدای جمله می‌آید، «أَنَّ» همواره وسط جمله می‌آید و تأکید ندارد.

■ **مثال:** أَظُنُّ أَنَّ النَّجَاحَ صَعْبٌ. ← گمان می‌کنم که پیروزی دشوار است.

• يَتَعَلَّمُ النَّاسُ أَنَّ السُّوقَ مَفْتُوحَةٌ الْيَوْمَ. ← مردم می‌دانند که بازار امروز باز است.

■ در ترکیب‌های «مَعَ أَنْ، لِأَنَّ، بِأَنَّ» حرف «أَنَّ» داریم نه «إِنَّ».

⊕ **نکته نهایی:** «إِنَّمَا» از حروف مشبهة نیست (آن را با «إِنَّ» اشتباه نگیرید)؛ ضمناً «إِنَّمَا» هم با اسم می‌آید، هم با فعل و به معنای «فقط، تنها» است نه «حتماً، قطعاً»، همچنین این کلمه روی بخش دوم (دورتر) جمله تأکید دارد.

مثال: إِنَّمَا الثَّرْوَةُ وَسِيلَةٌ. ثروت، فقط یک وسیله است. ✓

• إِنَّمَا الْفَخْرُ لِحَيَاةٍ. فقط افتخار، به پاکدامنی است. ✓

• إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. فقط مؤمنان برادر هستند. ✓

📌 **جمع‌بندی:** بهتر است انواع «ان» را با مثال مرور و دسته‌بندی کنیم:

• «إِنَّ: حتماً، قطعاً، همانا» اول جمله به همراه اسم یا ضمیر می‌آید.

مثال: إِنَّكُمْ أَقْوِيَاءُ. ← قطعاً شما قدرتمند هستید.

• «إِنَّ: اگر، چنانچه» از ادات شرط است و اول جمله قبل از فعل می‌آید.

مثال: إِنَّ تَنْقِذَ إِنْسَانًا تَشْكُرُكَ. ← اگر انسانی را نجات دهی از تو سپاسگزاری می‌کند.

• «أَنَّ: که» وسط جمله به همراه اسم یا ضمیر می‌آید.

مثال: عَجِيبٌ أَنَّ الْفِیْلَمَ قَصِيرَةٌ. ← عجیب است که فیلم، کوتاه است.

• «أَنَّ: که» وسط جمله قبل از فعل می‌آید.

مثال: حَاوَلِي أَنْ تَنْجِحِي. ← تلاش کن که موفق شوی.

• «إِنَّمَا، آنما، فقط، تنها» قبل از اسم و فعل می‌آید و روی رکن دورتر خود تأکید دارد.

مثال: إِنَّمَا الْحَرِيَّةُ جَمَالٌ. ← آزادی، فقط زیبایی است.

- مثال: لا كَذِبَ مَقْبُول. ← هیچ دروغی پذیرفته نیست.
 • لا سَيَّارَةٌ عِنْدِي. ← هیچ ماشینی ندارم. (نزد من نیست).
 • لا شَكَّ فِي قَوْلِكَ. ← هیچ تردیدی در سخن تو نیست.
 • لا قُوَّةَ لَكُمْ. ← هیچ نیرویی ندارید. (برای شما نیست).

نکته نهایی: ۱ حواستان باشد حرف «لا» ی نفی جنس جزو حروف مشبهة بالفعل نمی باشد.

۱ لا + «جار و مجرور» یا «فعل» یا «ضمیر»، نفی جنس نیست.

مثال: لا مِثْلَكَ. • لا تُبَيِّنَنَّ. • لا نَحْنُ. • لا عَلَى الْحَاكِمِ.

۲ اگر «لا» در ساختار «اسم + لا + اسم» بیاید، نفی جنس نیست و معنای «نه» دارد.

مثال: هُوَ شَاعِرٌ لَا تَاجِرٌ. ← او شاعر است نه تاجر.

• أَنْتَ ذَكِيٌّ لَا كَسْلَانَ. ← تو باهوش هستی نه تنبل.

• هَؤُلَاءِ أَقْوِيَاءُ لَا ضَعْفَاءَ. ← این‌ها قدرتمند هستند نه ضعیف.

انواع «لا»

۱ نافید ← به همراه فعل مضارع می آید، خبر منفی می دهد و تغییری در آخر آن ایجاد نمی کند، پس آخر مضارع «لَمْ، ان، ون، ین» دارد.

مثال: لا تَشْرَبْ. ← نمی نوشی. • لا تَجْعَلُونِ. ← قرار نمی دهید.

۲ نهی ← به همراه فعل مضارع می آید، دستور منفی می دهد و آخر فعل را مجزوم می کند، پس آخر مضارع به شکل «تْ، ثْ، یْ، اْ، وَا، یْ» می آید.

مثال: لا يَكْذِبْ. ← نباید دروغ بگوید. • لا تَهْبُوا. ← نروید.

۳ نفی جنس ← به همراه اسم بی «ال» بی تنوین نکره «تْ» دار می آید و معنای «هیچ... نیست / ندارد» دارد.

مثال: لا وِلْدَ لَكُمْ. ← هیچ فرزندی ندارید.

۴ جوابیه ← به معنای «نه» است و در پاسخ به «هل، أ» استفاده می شود.

مثال: أَلَمْ تَرِ الْفَاكِهَةَ؟ لا. ← آیا میوه می خواهی؟ نه.

معادل های «هیچ» در عربی

۱ «لا» ی نفی جنس

مثال: لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ. ← هیچ اجباری در دین نیست.

۲ «ما مِن...»

مثال: ما مِن عَمَلٍ. ← هیچ کاری نیست.

۳ «كُلٌّ» + مفرد نکره در جملات منفی

مثال: لا تَأْكُلْ كُلَّ حَرَامٍ. ← هیچ حرامی را نمی خوریم.

۴ «أَيُّ» + مفرد نکره در جملات منفی

مثال: لا نَنْصُرُ أَيُّ كَاذِبٍ. ← هیچ دروغ‌گویی را یاری نمی کنیم.

۵ لَيْتَ: به معنای «کاش، ای کاش» است و بیانگر «آرزو» یا امری است که معمولاً امکان انجام ندارد؛ ولی این‌گونه نیست که هرگز شدنی نباشد.

مثال: لَيْتَكَ صَادِقٌ. ← کاش راستگو باشی.

• لَيْتَنَا نَكْتَسِبُ الثَّرْوَةَ. ← کاش ما ثروت کسب کنیم.

• لَيْتَ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ. ← کاش آسمان ببارد.

تذکر: «لَيْتَ: کاش» حرف مشبّهه است و «لیس: نیست» فعل ناقصه.

۶ لَعَلَّ: به معنای «شاید، امید است» می باشد و بیانگر کاری است که شاید انجام شود و شاید نشود، ضمناً می تواند بیانگر امید به اتفاق افتادن یک چیز باشد.

مثال: لَعَلَّ اللَّهَ يُنْقِذَنَا. ← شاید (امید است) خدا ما را نجات دهد.

• لَعَلَّنِي مَجْرُوحٌ. ← شاید من زخمی باشم (هستم).

• كَلِمَةُ «لَعَلَّ» که نوعی جواهر است با «لَعَلَّ» اشتباه نشود.

نکته نهایی: فعل مضارعی که پس از «لَيْتَ، لَعَلَّ» می آید، به صورت

«مضارع التزامی» ترجمه می شود، نه ماضی استمراری.

مثال: لَيْتَ إِيْرَانَ تَتَقَدَّمُ. ← کاش ایران پیشرفت کند.

• لَعَلَّ الْأُمَّ تَطْبِخُ الْعَدَاءَ. ← شاید مادر ناهار بپزد.

حروف مشبّهه بالفعل در یک نگاه

نام	معنی	مکان در جمله	کاربرد	کلمات مشابه
إِنَّ	قطعاً، همانا	اول جمله	تأکید بر کل جمله بعدش	أَنَّ (که)،
أَنَّ	که	وسط جمله	ارتباط و پیوند دو جمله	إِنَّ (قطعاً)، إِنَّ (اگر)، آن (که)
كَأَنَّ	گویی، مانند	اول جمله	تصوّر، گمان یا تشبیه	كان (فعل ناقصه)
لَكِنَّ	ولی، اما	وسط جمله	کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خود	لَكِنَّ (ولی)، لَكِنَّ (برای شما)
لَيْتَ	کاش	اول جمله	بیانگر آرزو	لیس (نیست)
لَعَلَّ	شاید، امید است	اول جمله	امید یا شک	لَعَلَّ (مروارید)

لای نفی جنس

معنای «هیچ... نیست» یا «هیچ... ندارد» می دهد و قبل از اسم بی «ال» بی تنوین نکره مفتوح (دار) می آید، پس این اسم همیشه «تْ» دارد، ضمناً چون این «لا» معنای «هیچ» می دهد؛ پس طبیعتاً شدیدترین نفی را دارد.

۱. گاهی قبل از «لَيْتَ» حرف «یا» می آید، «یا لَيْتَ: ای کاش»

۲. در این حالت بعد از اسم «لا» حرف «یا» یا «عند» می آید. مثال: لا صَدِيقٌ لَنَا ← هیچ دوستی نداریم.



لغات

• سیرة: روش و کردار، سرگذشت	• یَتَن: آشکار کرد، بیان کرد	• آله: وسیله
• شِیَاح: گردشگران «مفرد: سائح»	• تَأَكَّد: مطمئن شد	• آلِهَة: خدایان «مفرد: إله»
• شَرَّ: بدی «جمع: شُرور»	• تَبِعَ: تعقیب کرد	• اِیْتَعَادَ: دور شدن
• شَعَائِر: مراسم «مفرد: شَعیرة»	• تَجَنَّبَ (تَجَنَّبَ - یَتَجَنَّبُ): دوری کردن	• اِخْمِنِ (اِخْمِنِ + نون وقایه + ی): از من نگهداری کن
• شَعْب: ملت «جمع: شُعب»	• تَظَاهَرَ: وانمود کرد	• اَثَر: اثر «جمع: آثار»
• ضَدر: سینه «جمع: صُدور»	• تَمَثَّلَ: تندیس، مجسمه «جمع: تَمائیل»	• اُجِّلَسَ (یُجِلِسُ): نشانید
• صِرَاع: کشمکش	• تَمَنَّى (یَتَمَنَّى): آرزو داشت	• اُخْضَرَ: آورد، حاضر کرد
• صَفَّ: صف، ردیف ایستادن	• تَهَامَسَ (یَتَهَامَسُ): پیچ پیچ کرد	• اِرْضَاء: راضی کردن، خشنود کردن
• ضَاعَ: تباه کرد	• جَذَعَ: تنه «جمع: جُذوع»	• اِزْدَادَ: زیاد شد
• ضَعَّ: فرار بده	• حَدَّثَ: اتفاق افتاد	• اِسْتِهْزَأَ بِ: ریشخند کردن
• طین (طینة): گِل، سرشت	• حَدَّثَ: سخن گفت	• اِسْتَوَى: برابر است، برابر شد
• عُشَّ: لانه	• حَديد: آهن	• اَسْوَأَ: بدتر، بدترین
• عَضَبَ: پی، رشته عصبی «جمع: أعصاب»	• الحَربُ المَقْرُوضَة: جنگ تحمیلی	• اَشَدَّ: سخت تر، سخت ترین
• عَصَرَ: دوره، زمان «جمع: عُصور، أعصار»	• حَرَقَ: سوزاند	• اَصْنَامَ: بت ها «مفرد: صَنَم»
• عَظَّمَ: استخوان «جمع: عِظام»	• حَسِبَ: پنداشت	• اَضَاعَ (یُضِيعُ): تباه کرد
• عَفَافَ: پاکدامنی	• حَضَارَة: تمدن	• اَعَانَ (یُعِینُ): یاری کرد
• عَقَلَ: خردورزی کرد	• حَفَّظَ: بخت «جمع: حُطُوظ»	• اَعْلَى: بالا، بالاتر، بالاترین
• عَلَّقَ: آویخت	• حَفَلَ: برداشت، حمل کرد	• اَعْنَى (أَعْنَى + نون وقایه + ی): مرا یاری کن
• عَلَّمَ: یاد داد	• حَقَّلَ: تحمیل کرد	• اَعْنَى: پی نیازکننده تر، پی نیازکننده ترین
• عَلِمَ: دانست	• حَمَى (یَحْمی): حفظ کرد، نگهداری کرد	• اَفَامَ الوجْهَ: روی آورد (اصطلاح است)
• عید: جشن «جمع: أعیاد»	• حَنِيفَ: یکتاپرست	• اَقْبَمَ وَجْهَهُ: روی بیاور
• غَالی: گران	• حِیاء: شرم	• اِكْتَشَفَ: کشف کرد
• غَايَة: هدف	• جِدَاع: فریب	• اَنْزَ (أَنْزَ - نِيزُ): روشن کن
• فَاخِرَ: افتخارکننده	• حَذُوا (أمر از «أخذ»): بگیرد	• اِنْشِرَاحَ: شادمانی
• فَأَسَ: تبر «جمع: فُؤوس»	• حُرَافَة: سخن بیهوده، موهوم پرستی	• اَنْشُودَة: سرود «جمع: أناشید»
• فَخَّرَ: افتخار	• حَشَبَ: چوب	• اِنْقَادَ: نجات، نجات دادن
• فَرِيشَة: شکار «جمع: فَرانس»	• حَلِيلَ: دوست	• اَنْقَذَ: نجات داد
• فَضَة: نقره	• داء: بیماری	• اِنَّ: همانا، به درستی که، بی گمان، زیرا
• فَمَ: دهان	• دار: خانه	• اَنَّ: که
• قَاتِلَ: جنگید	• دین: آیین «جمع: اَدیان»	• اِنَّمَا: تنها، فقط
• قَدَّافَ: انداخت	• ذات: دارای	• بَحَثَ: عن، جست و جو کرد
• قُرآن: خواندن، قرآن	• ذَكَرَ: یاد کرد	• بَدَّوْا یَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ پیچ کردند، شروع
• قَرابین: قربانی ها «مفرد: قُربان»	• ذَکَى: باهوش	• کردند پیچ پیچ کنند
• قَوْمَ: قوم، گروه «جمع: أَقوام»	• ذَهَبَ: طلا	• بَسَمَات: لبخندها
• قَبِلَ: گفته شد	• رِسْمَ: نقاشی ها «مفرد: رَسْم»	• بَطَاقَة: بلیط، کارت
• کَانَ: گویی، مانند	• سَبَّلَ: پرسیده شد	• بَعَثَ: رستاخیز، قیامت
• کتابات: نوشته ها	• سَبَّ: دشنام داد	• بَغْتَة: ناگهان
• کَتِفَ (کَتِف): شانه «جمع: اَکتاف»	• شدی: بیهوده و بوج	• بَقِی: ماند
• کَسَّرَ: شکست	• سَلام: آشتی، صلح	• بَکى (بَکى): گریه کرد
• کُونُوا: باشید	• سَلَّمَ: صلح	• بِلاد: کشورها، شهرها «مفرد: بَلَد»
• لَ (اگر با ضمیر متصل نیاید): حتماً (قید تأکید)	• سِنَ: دندان، دندان، تیغه «جمع: اَسنان»	• بُنیانَ مَرصُوضَ: ساختمانی استوار
• لا تُذَرَّکَ: به دست آورده نمی شود، به دست نمی آید	• سَوَى: به جز	• بَیت: خانه «جمع: بیوت»

<ul style="list-style-type: none"> • مَن دُون: به جای، به غیر از • نَبی: پیامبر «جمع: انبیاء» • نَحاس: مس • نِزاع: کشمکش • نَسَب: اصل و نسب، دودمان • نَقاد: نقدکنندگان «مفرد: ناقد» • نَقوش: کنده کاری‌ها، نگاره‌ها «مفرد: نقش» • یَد: دست «جمع: آیدی» 	<ul style="list-style-type: none"> • مَرَّ: گذران، گذشتن • مَرَض: بیماری • مَسکین: نیازمندان «جمع: مساکین» • مُفْتَرِس: درنده، شکارچی • مَقْتَدَة: مایه تباهی • مَکْرَم: گرامی • مُکَشَّرَة: شکسته، شکسته شده • مَکْسور: شکسته • مَن جَلال: از طریق، از میان، به واسطه 	<ul style="list-style-type: none"> • لِأَنَّ: زیرا، برای اینکه • لَحْم: گوشت «جمع: لُحوم» • لَعَلَّ: شاید، امید است • لَکِنَّ: ولی، اما • لَمَّا: هنگامی که • لَبِثَ: کاش، ای کاش • ما یَلِی: آنچه می آید • مُجِیب: برآورنده، پاسخگو • مُدَوَّنَة: وبلاگ
---	---	---

واژه‌های مترادف

<ul style="list-style-type: none"> • فَرَح = انشراح = سرور (شادی) • قاتِل = حارِب (جنگید) • قَدَف = زَمی (پرتاب کرد، انداخت) • قَصَد = اراد = ظَلَب (خواست) • قَوْل = مقال = کلام (سخن) • لَعَلَّ = عَمَسی (شاید، امید است) • مَرصوص = ثابت = مُستحکم (استوار) • مُزارع = فَلَاح (کشاورز) • مُوَحَّد = خَنیف (یکتاپرست) • نَضَب = خَجَل = وَضَع (قرار داد) • یَلِی = یَجِیء = یَأْتِی (می آید) 	<ul style="list-style-type: none"> • حَسِبَ = ظَنَّ (پنداشت، گمان کرد) • حَفَّظَ = نَصِيب (بخت، بهره) • حَمَى = حافِظَ عَلی (نگهداری کرد) • حَبِنَ = عِنْدَمَا = لَمَّا (وقتی که، هنگامی که) • رَأَى = شَاهَدَ = نَفَّظَ (دید، مشاهده کرد) • سَبِيلَ = صِرَاطَ = طَرِيقَ (راه) • سُدئ = عَثَّ (بیهوده و بوج) • سَوَى = غَیْر = إِلَّا (به جز، مگر) • سیرَة = سَلوک (رفتار، کردار) • شَرَّ = سَوء (بدی) • شَكَّ = تَرَدَّدَ (شک، تردید) • صِراع = نِزاع (درگیری) 	<ul style="list-style-type: none"> • آلة = أداة = جهاز = وسیله (دستگاه، وسیله) • أَعانَ = سَاعَدَ = نَصَرَ (کمک کرد) • أَنارَ = أضاءَ (روشن کرد) • إِنَّ = لَ (قطعاً، حتماً) • اِهْتَمَامَ = عِنایَة (توجه) • بَعثَ = قِیامَة (رستاخیز) • بَعَثَ = أَرْسَلَ (فرستاد) • بَغْتَة = فِجاءَة = إِذْ (تاگهان) • بُنِیان = بِناء = عِمارة (ساختمان) • حَاوَلَ = جَدَّ = سَعَى = اجْتَهَدَ (تلاش کرد) • حَدَّثَ = كَلَّمَ (سخن گفت) • حَرَّقَ = أَشْعَلَ (سوزاند)
---	---	--

واژه‌های متضاد

<ul style="list-style-type: none"> • ضَخک (خندید) ≠ بَکى (گریه کرد) • ضَلالَة (گمراهی) ≠ هِدایَة (هدایت) • قُرْب (نزدیک، نزدیکی) ≠ بُعْد (دور، دوری) • مُجِیب (جواب دهنده) ≠ سائِل (پرسشگر) • نافع (سودمند) ≠ مُضِر (زیان رسان) 	<ul style="list-style-type: none"> • خَنیف، مُوَحَّد (یکتاپرست) ≠ مُشْرک، کافِر (مشرک) • سأل (پرسید) ≠ أَجاب (پاسخ داد) • شَك، تَرَدَّد (شک، مردد بودن) ≠ اِطْمِئنان، تَأکد (مطمئن بودن) • صِراع، نِزاع (کشمکش) ≠ سِلم، سِلام (صلح) 	<ul style="list-style-type: none"> • اِبتِعاد، تَجَنُّب (دوری جستن) ≠ تَقَرُّب (نزدیک شدن) • اَسْوَأ (بدترین) ≠ اَحْسَن، اَفْضَل، خَیر (بهترین) • اَنْقَذَ (نجات داد) ≠ اَهْلَكَ (هلاک کرد) • اَهْلَی (رام شده) ≠ مُفْتَرِس (درنده) • تَحَرَّكَ (حرکت کرد) ≠ تَوَقَّفَ (ایستاد) • جَلَسَ (نشست) ≠ قامَ (برخواست)
--	---	--

جمع‌های مکسر

<ul style="list-style-type: none"> • اَنبِیاء ← نَبی (پیامبر) • اَیْدی ← یَد (دست) • بِلاد ← بَلَد (کشور) • تَمائیل ← تِمثال (تندیس، مجسمه) • جُدوع ← جَذع (تنه) • حُظوظ ← حَفَّظَ (بخت) • رُسوم ← رَسَم (تصویر، عکس) • سِیاح ← سائِح (گردشگر) • شُرور ← شَرَّ (بدی) • شَعائِر ← شَعیرَة (مراسم) • شُعب ← شَعب (ملت) 	<ul style="list-style-type: none"> • اَنار ← اَثَر (اثر) • اَلیهَة ← اِله (خدا) • اَیبات ← بَیت (خانه) • اَدیان ← دین (آیین، دین) • اَشنان ← سِن (دندان، دندانه) • اَصنام ← صَنم (بُت) • اَعْصاب ← عَضَب (پی، رشته عصبی) • اَعیاد ← عَید (عید، جشن) • اَقوام ← قَوم (قوم، گروه) • اَکْتاف ← کِتِف، کِتِف (کتف، شانه) • اَناشید ← اَنشودَة (سرود)
---	---



کتابنامه **الذین و التذین: دین و دین داری**

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ (یونس: ۱۰۵)

فعل و فاعل مفعول م. الیه ج. م^۲ فید حالت

ترجمه با یکتاپرستی به دین روی آور.

کالبد شکافی: «أَقِمَّ» فعل امر از باب «إفعال» و ثلاثی مزید است که مصدر آن «إقامة» می باشد.

احتمالاً بسیاری از شماها مطالب مربوط به پایه مثل پیدا کردن نقش ها (محل اعرابی)، انواع فعل ها، زمان فعل ها و... را فراموش کرده اید و الآن که ما به بررسی آن ها می پردازیم ممکن است دچار چالش و مشکل شوید، پس توصیه می کنیم به «بخش ویژه» کتاب رفته و مطالب آن را مرور و مطالعه نمایید؛ فراموش نکنید که بین ۶ تا ۷ نمره از ۲۰ نمره امتحان نهایی دوازدهم مربوط به مطالب پایه است.

• **لغات مشابه:** «قام: ایستاد» / «قام ب: به... پرداخت...» را انجام داد / «أقام: به پا داشت»

• تمام فعل های امر، فاعلشان به همراه خودشان است؛ یعنی فاعل فعل امر همیشه به شکل یک ضمیر درون فعل است؛ پس فاعل فعل امر هرگز به شکل اسم نمی آید.

﴿التَّذِينُ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا﴾

مبتدا خبر ج. م مبتدا خبر ج. م

ترجمه دین داری در انسان ذاتی است و تاریخ به ما می گوید.

کالبد شکافی: اگر مبتدا را پیدا کردید و بعد از آن چند گزینه داشتید که می توانستند خبر باشند، یعنی مثلاً در تعیین خبر بین اسم و جار و مجرور یا بین فعل و جار و مجرور تردید داشتید، در جریان باشید که اولویت با اسم و فعل است، نه جار و مجرور؛ مثلاً در عبارت بالا بین «فِطْرِي» و «فِي الْإِنْسَانِ» اسم (فِطْرِي) را خبر گرفتیم نه جار و مجرور (فِي الْإِنْسَانِ). **مثال:** الْجَوَالُ لِأَكْثَرِ النَّاسِ فِي الْعَالَمِ ضَرُورِيٌّ.

• «يَقُولُ» فعل مضارع ثلاثی مجزء است.

• «لِ» جازه + ضمیر ← **مثال:** لِي + كُمْ ← لَكُمْ • لِي + نَا ← لَنَا

﴿لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ﴾

فی نفی جنس ج. م م. الیه ج. م ج. م

ترجمه هیچ ملتی از ملت های زمین نیست (وجود ندارد) مگر اینکه دین و روشی برای پرستش داشته باشد.

کالبد شکافی: در ترجمه «لا» نفی جنس، از ساختار «هیچ + اسم نکره + نیست» استفاده می کنیم.

• «لِ» و «عند» در ابتدای جمله به همراه اسم یا ضمیر، معنای «داشتن» می دهند.

• **مثال:** لی کتاب. ← کتابی دارم. • عندکم سؤال. ← سؤالی دارید.

• اگر قبل از دو ساختار قبل «کان» بیاید، بیانگر مالکیت در زمان گذشته هستند (داشت).

• **مثال:** کان لی کتاب. ← کتابی داشتم. • کانت عندکم سیارة. ← ماشینی داشتید.

• «لِ» مخفف «لِ + ال» است. **مثال:** للمؤمن ← لِ + ال + مؤمن

﴿فَالْأَنَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اِكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا﴾

مبتدا صفت وابسته فعل مفعول فاعل معطوف^۳ وابسته فعل و فاعل مفعول

ترجمه پس آثار قدیمی ای که انسان آن را کشف کرد و تمدن هایی که آن را شناخت.

کالبد شکافی: حرف «ف» را با حرف جرّ «فی» اشتباه نگیرید.

• اسم «ال» دار + «الذی» الذین، الّتی» ← به صورت «اسم + ی + که» ترجمه می شود.

• **مثال:** أَحِبُّ الْفِیْلِمَ الَّذِي شَاهَدْتُهُ. ← فیلمی که دیدم را، دوست دارم.

۱. م. الیه ← مضاف الیه

۲. ج. م ← جار و مجرور

۳. از شناخت نقش معطوف در امتحان نهایی سؤال نمی آید. فقط بداند که معطوف از نقش های اصلی جمله نیست و وابسته نقش قبلی می باشد.

اولاً دقت کنید که در این حالت اسم معرفه به شکل نکره (به همراه «ی») ترجمه می‌شود. ثانیاً در همین حد بدانید که نقش (محل اعرابی) «الذی» در این حالت «وابسته» است.

• «اِکْتَشَفَ» فعل ماضی از باب «افتعال» است. • اگر مفعول، ضمیر متصل به فعل باشد و فاعل از نوع اسم، مفعول بر فاعل مقدم می‌شود؛ یعنی اول مفعول می‌آید و بعد فاعل. **مثال:** أَخْرَجَ كُمْ اللَّهُ مِنَ الظُّلُمَاتِ. ← خدا شما را از تاریکی‌ها خارج کرد.

فعل مفعول فاعل ج.م

• يُنْقِذُ نِسَاءَ الْعِلْمِ. ← علم مرا نجات می‌دهد.

فعل مفعول فاعل

📖 **مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النُّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ. تَوْكُّدُ اهْتِمَامِ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.**

ج.م م.الیه معطوف معطوف فعل و فاعل مفعول م.الیه ج.م

ترجمه از طریق نوشته‌ها و کنده‌کاری‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

🔍 **کالبدشکافی:** «الآثار» در بند قبلی مبتدا بود و «تَوَكُّدُ» در این بند خبر آن؛ ممکن است بگویید چرا «اِکْتَشَفَ» خبر نشد؟ یادتان باشد که جمله پس از «الذی، الّتی و الذّین» و «مَنْ» و «مَا» در وسط جمله هیچ نقشی ندارد؛ پس این جمله نمی‌تواند خبر، جمله وصفیه، جمله حالیه و... باشد. اسم آن، جمله «صله» است که صرفاً برای کامل کردن معنا می‌آید از قدیم هم گفتن: صله، ولیه.

📌 **مثال:** الْمَوْظُفُّ الَّذِي يَخْدُمُنَا يَـرِي أَسْرَهُ. ← کارمندی که به ما خدمت می‌کند، اثرش را می‌بیند.

مبتدا وابسته جمله صله خبر مفعول م.الیه

🔔 مراقب معنای چهار کلمه زیر باشید:

۱) الْكِتَابَاتُ ← نوشته‌ها ← «کتاب‌ها» غلطه.

۲) النُّقُوشُ ← کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها ← به معنای «نقشی که بازی می‌کنند یا وظیفه» نیست.

۳) الرُّسُومُ ← نقاشی‌ها ← «آیین و رسوم» غلطه.

۴) التَّمَاثِيلُ ← مجسمه‌ها ← به معنای «نمونه‌ها و مثال‌ها» نیست.

• «تَوَكُّدُ» فعل مضارع از باب «تفعیل» است.

• هرگاه یک اسم (مرجع) قبل از فعل بیاید، نمی‌تواند فاعل باشد، چون فاعل همیشه بعد از فعل می‌آید؛ ولی حضور آن اسم باعث می‌شود که فاعل، همراه (درون) فعل باشد، پس در این حالت، فاعل، اسم قبل و یا اسم بعد از فعل نیست و همیشه به همراه فعل است (فعل و فاعله / فعل مع فاعله).

📌 **مثال:** الْجَامِعَةُ تُرِي الطَّالِبَاتِ. ← دانشگاه، دانشجویان را تربیت می‌کند.

مبتدا فعل و فاعل مفعول

• الْحَضَارَاتُ تُرِي مَاضِيَ الشُّعُوبِ. ← تمدن‌ها، گذشته ملت‌ها را نشان می‌دهد.

مبتدا فعل و فاعل مفعول م.الیه

🔔 البته ما در نقش‌یابی جملات کتاب غالباً هر جایی که بعد از «فعل و فاعل» مفعول داشتیم، نوشته‌ایم «فعل و فاعل» تا مفعول را با فاعل اشتباه نگیرید.

مثلاً در «نُخْرِجُ الْكِتَابَ» زیر «نُخْرِجُ» نوشته‌ایم «فعل و فاعل»، اما مثلاً در «نُخْرِجُ إِلَى الْبَابِ» چون مفعول نداریم، زیر «نُخْرِجُ» فقط می‌نویسیم فعل، ولی در واقع فعل و فاعل مفعول

«فعل و فاعل» است. مُنتَهَا چون بعد از فعل، مفعول نداریم و شما دچار اشتباه نمی‌شوید، ما فقط به فعل اشاره کرده‌ایم که هم زیادی شلوغ نشود و هم بدانید در نهایی از شما نمی‌خواهند که در این حالت فاعل را پیدا کنید، ولی دانستن اینکه فاعل درون فعل است، باعث می‌شود مفعول را با فاعل اشتباه نگیرید.

📖 **و تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِي فِي وُجُودِهِ، وَلَكِنَّ عِبَادَتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.**

ترجمه و بر اینکه آن در وجودش ذاتی است، دلالت می‌کند؛ ولی عبادت‌ها و مراسم خرافی بود.

🔍 **کالبدشکافی:** «تَدُلُّ» فعل مضارع ثلاثی مجزّد است؛ هر مضارعی که چهار حرف داشته باشد و با فتحه (ت) شروع شود (یعنی «يَفْعَلُ»)، ثلاثی مجزّد است.

• «أَنْ» و «لَكِنَّ» حرف مشبّهه هستند. • فعل‌های ناقصه (کان، صار، لیس، أصبح) نه فاعل دارند نه مفعول، پس «خُرَافِيَّةً» نه فاعل است نه مفعول، پس چیه؟ به شما ربطی نداره و در امتحان نهایی نیاید.

۱. در این حالت فقط ضمیر «ی» مفعول است و تون (ن) حرف وفایه می‌باشد. ولی برای فهم بهتر شما، زیر «تی» خط کشید.ایم.



﴿مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا﴾

م.ا.یه م.ا.یه معطوف م.ا.یه ج.م م.ا.یه م.ا.یه معطوف م.ا.یه م.ا.یه

ترجمه مانند تعدد خدایان (چندخدایی) و تقدیم قربانی‌ها به آن‌ها برای کسب رضایتشان و دوری از بدی آن‌ها.

کالبدشکافی: «تَعَدُّد»، «تَقْدِيم»، «كَسْب»، «رِضَا» و «تَجَنُّب» مصدر و اسم هستند، آن‌ها را با فعل اشتباه نگیرید. • «الْأَلِهَةُ» جمع مکسر «إله» و مذکر است، گول «ة» را نخورید! در واقع جمع‌های مکسری که «ة» دارند، مذکر هستند نه مؤنث. • «الْقَرَابِين» جمع مکسر است نه جمع مذکر سالم. فریب «ین» را نخورید. مفرد آن نیز «قربان» است.

﴿وَازْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَيَّ مَرَّ الْعُصُورِ﴾

فعل فاعل وابسته ج.م م.ا.یه ج.م م.ا.یه

ترجمه و این خرافات در گذر زمان (زمان‌ها) در دین‌های مردم زیاد شد.

کالبدشکافی: اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره، وابسته (تابع) است؛ زیرا وابسته و پیرو اسم اشاره است و نقش مستقلی ندارد. دقت کنید که این نقش را در امتحان نهایی نمی‌خواهند؛ اما حتماً باید بدانید که نقش اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره هرگز مضاف‌الیه نیست.

▪ **لغات مشابه:** «المَرَّ: گذشتن» - «المُرَّ: تلخ» - «مُرَّر: تلخ کرد» / «إِزْدَاد: زیاد شد» - «زَاد: زیاد شد، زیاد کرد»

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ﴾

حرف فعل فعل فعل و فاعل مفعول ج.م وابسته مشبّه

ترجمه ولی خداوند - پربرکت و بلندمرتبه با نام او - مردم را به این حالت رها نکرد.

کالبدشکافی: «تَبَارَكَ» و «تَعَالَى» هر دو فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُل» هستند، به! در فارسی مثل صفت ترجمه می‌شوند و خیلی‌ها فکر می‌کنند که این دو، اسم هستند؛ ولی در عربی فعل اند نه اسم. • «يَتْرِكُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است.

• «لَمْ» + مضارع ← ماضی ساده منفی، ماضی نقلی منفی • عَلَتْ حرکت کسره (ب) در پایان «يَتْرِكُ» رفع برخورد دو ساکن است؛ در واقع هر وقت ساکن (ب) به «ال» برخورد کند، حرکت ساکن برای سهولت در خواندن به کسره (ب) تبدیل می‌شود.

▪ **مثال:** فرحت النساء. ← فرحت النساء.

📌 حواستان هست که چون «اللَّهُ»، قبل از فعل (لَمْ يَتْرِكِ) آمده نه خودش فاعل است نه اجازه می‌دهد که «الناس» فاعل شود!؟

﴿فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (القيامة، ۳۶)

فعل ج.م م.ا.یه صفت فعل فاعل فعل مجهول قید حالت

ترجمه پس (حقیقتاً) در کتاب ارزشمندش (شریفش) گفته است: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها می‌شود؟

کالبدشکافی: «فَقَدْ» ← «قَدْ» + دو حرف هستند. • در ترجمه «قد» + ماضی، می‌توان از قیدهای تأکیدی استفاده کرد. • اگر یک اسم در عربی هم صفت داشته باشد هم مضاف‌الیه، اول مضاف‌الیه می‌آید و سپس صفت (اسم + مضاف‌الیه + صفت)؛ البته در ترجمه فارسی اول صفت می‌آید و سپس مضاف‌الیه. (اسم + صفت + مضاف‌الیه)، این ساختار به گروه اسمی یا ترکیب وصفی - اضافی معروف است.

▪ **مثال:** شهر زیبای ما. ← مَدِينَتُنَا الْجَمِيلَةَ.
اسم صفت م.ا.یه اسم م.ا.یه صفت

• «يَحْسَبُ» فعل مضارع و ثلاثی مجرد است. • «أَيَّ» از حروف پرسشی است و مترادف آن «هَل» است.

• «يُتْرَكَ» فعل مضارع مجهول و ثلاثی مجرد است. (تَرَكَّ - يَتْرَكُ - يُتْرَكُ)

📌 دقت کردید که «أَنْ يُتْرَكَ» با توجه به حضور «يَحْسَبُ» و مفهوم کلی آیه به صورت مضارع اخباری ترجمه شده است نه مضارع التزامی!؟

﴿لِذَلِكَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالدِّينَ الْحَقَّ﴾

ج.م فعل و فاعل ج.م مفعول فعل و فاعل مفعول صفت معطوف صفت

ترجمه به همین خاطر پیامبران را به سوی آنان فرستاد برای اینکه راه راست و دین حق را آشکار کنند.

کالبدشکافی: مرجع فعل‌های «أَرْسَلْنَا» قَالَ، لَمْ يَتْرِكِ، «اللَّهُ» است به خاطر همین فاعل همه این فعل‌ها درون فعل است و نمی‌توانند فاعل به صورت اسم بگیرند؛ پس اسم بعد از این فعل‌ها مفعول شد نه فاعل. • «يُبَيِّنُوا» فعل مضارع معلوم از باب «تَفْعِيل» است. • «أَرْسَلْنَا» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

۱. در امتحان نهایی نقش معطوف را از شما نمی‌خواهند، فقط بدانید که از نقش‌های اصلی در جمله نیست.

۱۱ و قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

فعل مفعول فاعل صفت ج.م. م.م. معطوف م.م.م. قید م.م.م. م.م.م. صفت

ترجمه و (به درستی که) قرآن کریم با ما درباره سرگذشت (روش) پیامبران و کشمکش آن‌ها با قوم‌های کافرشان سخن گفته است.

کالبدشکافی: همان طور که گفتیم اگر «قد» قبل از فعل ماضی بیاید می‌توان در ترجمه آن از قیدهای تأکیدی استفاده کرد. «حَدَّثَ» فعل ماضی ثلاثی

مزید از باب «تفعیل» است.

لغات مشابه: «حَدَّثَ: سخن گفت» / «حَدَّثَ: اتفاق افتاد» / «أَحَدَّثَ: احداث کرد، ساخت» / «تَحَدَّثَ: صحبت کرد، سخن گفت»

• «مع» اسم است نه حرف جز و همیشه پس از آن «مضاف‌الیه» می‌آید. «الکافرین» اسم فاعل از ثلاثی مجزء است؛ خیلی‌ها آن را به اشتباه «کافر» می‌خوانند و متوجه نمی‌شوند که اسم فاعل است.

لغات مشابه: «صراع» مفرد است، آن را با اسم جمع اشتباه نگیرید؛ ضمناً «صُراع»، یعنی «سردرد».

۱۲ وَ تُذَكِّرُ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

فعل و فاعل مفعول بدل صفت وابسته فعل فعل و فاعل مفعول م.م.م. م.م.م. م.م.م.

ترجمه و باید یاد کنیم مثالی را، [داستان] ابراهیم خلیل را که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

کالبدشکافی: اگر قبل از «ل» امر غایب (به معنای «باید») حرف «و» یا «ف» بیاید، «ل» ساکن می‌شود «فَل» و «ل».

مثال: «وَلتُخْرِجْ» ← «و باید خارج شویم» ← «فَلتُعبدوا» ← «پس باید پرستند».

لغات مشابه: «ذَكَرَ: یاد کرد» / «تَذَكَّرَ: به یاد آورد» / «ذَكَرَ: یادآوری کرد» / «ذِكْرِي: خاطره» / «ذَاكِرَةٌ: حافظه»

• «تذکر» فعل مضارع ثلاثی مجزء است. «حَاوَلَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «مفاعلة» است. «يُنْقِذُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

۱۳ فَبَقِيَ أَحَدُ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ وَحِيدًا.

ج.م. م.م.م. قید فعل فاعل م.م.م. ج.م. م.م.م. فعل فاعل قیدحالت

ترجمه پس در یکی از عیدها وقتی قومش از شهرشان خارج شدند ابراهیم تنها ماند.

کالبدشکافی: بعد از «أحد» و «إحدى» همواره مضاف‌الیه می‌آید، ضمناً «أحد» و «إحدى» جزو اعداد نیستند. «مدینه» (بدون «ال») نمی‌تواند اسم علم (خاص) باشد؛ ولی اگر «ال» بگیرد (المدینه) می‌تواند معرفه از نوع علم یا «ال» باشد. «خَرَجَ» و «بَقِيَ» هر دو ماضی و ثلاثی مجزء هستند.

۱۴ فَحَمَلَ فَاسًا، وَكَشَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَاسَ عَلَى كَتِفِهِ.

فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول م.م.م. ج.م. مستثنی صفت فعل و فاعل مفعول ج.م. م.م.م.

ترجمه پس تبری را حمل کرد (برداشت) و تمام بت‌های در معبد را شکست به جز بت بزرگ، سپس (آن) تبر را بر شانه‌اش آویخت.

کالبدشکافی: «كشَرَ» و «عَلَّقَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تفعیل» هستند. حواستان باشد که مرجع فعل‌های «حَمَلَ»، «كشَرَ»، «عَلَّقَ» قبل از آن‌ها آمده (ابراهیم)، پس اسم‌های بعد از این فعل‌ها، فاعل نیست و مفعول است. اگر ترکیب وصفی یا اضافی داشتیم، اسم اول (مضاف یا موصوف) نقش مورد نظر را می‌گیرد نه هر دو اسم با هم؛ مثلاً در جمله «جاء معلّم الصّف» فاعل «معلّم» است نه «معلّم الصّف» و «الصّف» مضاف‌الیه است. «المعبد» اسم مکان است. اگر در جمله، یک اسم دفعه اول نکره بیاید و دفعه دوم «ال» بگیرد، در ترجمه اسم دوم می‌توان از «این» یا «آن» استفاده کرد. به همین خاطر «الْفَاسُ» را با «آن» ترجمه کردیم (فأساً... الفأس). «کتف: شانه» هم به صورت «كَيْف» تلفظ می‌شود هم به صورت «كَيْف». «حَمَلَ» فعل ماضی ثلاثی مجزء است.

۱۵ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ وَ لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً، وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ ۞ هُوَ الْفَاعِلُ.

فعل و فاعل مفعول قیدزمان فعل فاعل فعل و فاعل مفعول م.م.م. م.م.م. حال فعل و فاعل

ترجمه و معبد را ترک کرد و هنگامی که مردم باز گشتند بت‌هایشان را شکسته دیدند و پنداشتند که ابراهیم همان انجام‌دهنده است.

کالبدشکافی: «تَرَكَ»، «رَجَعَ»، «ظَنُّوا» هر سه فعل ماضی ثلاثی مجزء هستند. «مُكْسَرَةً» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است و «الفاعل» اسم فاعل از ثلاثی مجزء است. دقت کنید که «مُكْسَرَةً» صفت نیست اگر می‌خواست صفت باشد به شکل «المُكْسَرَةُ» می‌آمد و به صورت «بُت‌های شکسته خود» ترجمه می‌شد؛ زیرا در گروه اسمی یا همان ترکیب وصفی - اضافی اسم آخر «ال» می‌گیرد و در فرمول روبه‌رو می‌آید: اسم بی «ال» + اسم «ال» دار یا ضمیر + اسم «ال» دار

مثال: يعمل شبابنا المؤمنون. ← جوانان مؤمن ما کار می‌کنند.

فعل فاعل م.م.م. صفت

• **يعمل شبابنا مؤمنين** ← جوانان ما باایمان کار می‌کنند.

فعل فاعل م.م.م. حال

جمع‌بندی: شاهدوا أصنامهم مكسرة. ← بت‌های خود را شکسته دیدند.

• شاهدوا أصنامهم المكسرة. ← بت‌های شکسته خود را دیدند.

۱. منظور از حال، همان قید حالت است که در درس دو با آن آشنا خواهید شد.

حل و بررسی تمارین

تمارین متن درس

عَمَّسِنَ الصُّحَيْحِ وَالْخَطَأُ حَسَبَ نَحْوِ الدَّرْسِ.

فعل و فاعل مفعول معطوف قيد مالمیه مالمیه

ترجمه درست و نادرست را براساس متن درس تعیین کن.

کالبدشکافی: «عَمَّسِنَ» فعل امر ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْآيَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا. ✓

ترجمه هدف از تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان کسب رضایت آن‌ها و دوری از بدی‌شان بود.

۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. ✗

فعل فاعل مفعول ج م مالمیه مالمیه

ترجمه ابراهیم تبر را بر شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد. غلط است؛ زیرا در درس گفته که تبر را بر شانه بزرگ‌ترین بت‌ها آویزان کرد. (عَلَى كَيْفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ).

۳- لَمْ يَكُنْ لِيَنْغِضِ الشُّعُوبَ دِينَ أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ. ✗

ترجمه بعضی از ملت‌ها دینی یا روشی برای پرستش نداشتند. غلط است؛ زیرا در متن درس گفته هیچ ملتی نیست که دین یا روشی برای پرستش نداشته باشد. (لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ).

۴- الْأَنْزَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. ✓

مبتدا صفت فعل مفعول مالمیه ج م و فاعل

ترجمه آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند.

کالبدشکافی: حواستان باشد که «تُؤَكِّدُ» خبر از نوع جمله فعلیه برای «أَنْزَارُ» است. ضمناً فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۵- إِنَّ التَّنْدِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. ✓

ترجمه به درستی که دین‌داری در انسان ذاتی است.

۶- لَا يَتَشَرَّكَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُوءِي. ✓

فعل فاعل مفعول فیدحالت

ترجمه خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند.

ترجمه و آنالیز جملات، اِعْلَمُوا

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (التوبة: ۱۲۰)

فعل و فاعل مفعول مالمیه

ترجمه بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

کالبدشکافی: «اللَّهُ» قبل از فعل (لا يُضَيِّعُ) آمده؛ پس فاعل نیست. اصولاً هرگاه مرجع یک فعل (یعنی اسم) قبل

از آن فعل بیاید، فاعل درون فعل و همراه فعل است و ممکن است اصلاً فاعل را نبینیم، پس در این حالت اسم قبل یا

بعد از فعل نمی‌تواند فاعل باشد.

✓ **مثال:** الْكِتَابُ يُقَوِّى الْفِكْرَ. ← کتاب، فکر را قوی می‌کند.

مبتدا فعل و فاعل مفعول

• «يُضَيِّعُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. (أَضَاعَ - يُضَيِّعُ) • «الْمُحْسِنِينَ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

﴿... قَالَ أَعْلِمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة: ۲۵۹)

فعل فعل ج م مالمیه

ترجمه گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

کالبدشکافی: «أَعْلِمُ» فعل مضارع از ثلاثی مجزئ و در صیغه «أنا» است، آن را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید. اصولاً در ساختار «أَفْعَلُ - أَنْ، أَنْ» فعل داریم

نه اسم تفضیل.





از شناختِ نقش های بعد از حروف مشتبهه بالفعل در حیطة امتحان نهایی سؤال نمی آید؛ پس اصلاً نیاز نیست که مثلاً اسم و خبر آن ها و انواعشان را یاد بگیرید. توصیه ما به شما این است: همان مطالبی را که در چهارچوب امتحان نهایی باید بدانید، دقیق و کامل یاد بگیرید، نه اینکه نکات اضافه تر بخوانید.

سؤال: لماذا ما سافرت بالطائرة؟ **پاسخ:** لأن بطاقة الطائرة غالية.

ج م فعل ج م حرف مشتبهه ماله

ترجمه: چرا با هواپیما سفر نکردی؟ زیرا بلیط هواپیما گران است.

کالبدشکافی: «الطائرة» و «غالية» هر دو اسم فاعل از ثلاثی مجرد هستند. دقت کنید که «بطاقة» هم می تواند یک اسم باشد (بلیط، کارت) و هم می تواند جار و مجرور باشد (بطاقة: با توانایی) که در اینجا اسم است نه جار و مجرور؛ ضمناً همان طور که مشاهده کردید نقش «بطاقة» و «غالية» را بررسی نکردیم؛ چون در امتحان نهایی نمی آید. اصولاً در پاسخ به «لماذا؛ چرا» از «لأن؛ زیرا» یا «ل؛ برای...» استفاده می کنیم.

كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرَك.

حرف مشتبهه ماله ماله فعل مجهول

ترجمه: گویی خوشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

کالبدشکافی: «إرضاء» یک اسم مفرد و مصدر باب «إفعال» است. «تُدْرِكُ» فعل مضارع مجهول ثلاثی مزید در صیغه مفرد مؤنث غایب از باب «إفعال» و جمله وصفیه (جمله بعد نکره) برای اسم نکره «غاية» است؛ ضمناً به ترجمه آن (به دست آورده نمی شود) دقت کنید: «أدْرِكُ» به چیزی رسید، چیزی را به دست آورد.

... إن الله لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَسَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

حرف مشتبهه ماله ج م حرف مشتبهه ماله فعل و فاعل

ترجمه: بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

کالبدشکافی: گاهی حرف «ل» بعد از «إن» و «لَوْ» می آید که کار این حرف، تأکید بیشتر بر جمله است؛ یعنی یک بار «إن» روی کل جمله تأکید می کند و یک بار «ل» روی رکن بعد از خود تأکید دارد؛ بنابراین آن را با حرف «ل» جز اشتباه نگیرید؛ پس حواستان باشد که در ترجمه ساختار «إن... ل» می توان از دو قید تأکید استفاده کرد.

مثال: إن الدنيا لَتفنى. ← به درستی که دنیا حقیقتاً نابود می شود.

• بعد از «ذو، ذی، ذات» همیشه مضاف الیه می آید. • «أَكْثَرُ» اسم تفضیل مذکر بر وزن «أفعل» است. • «لَا يَشْكُرُونَ» فعل ثلاثی مجرد و معلوم است.

«وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا» (التآ: ۲۰)

فعل فاعل

ترجمه: و کافر می گوید: ای کاش خاک بودم.

کالبدشکافی: «الکافر» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است، آن را اشتباهاً «کافر» نخوانید. • حرف «ن» در «لَيْتَ» نون وقایه است، دقت کنید که نون وقایه می تواند با حروف مشتبهه بالفعل نیز بیاید. • بعد از فعل های ناقصه فاعل و مفعول نمی آید و بررسی نقش های آن در حیطة امتحان نهایی نیست. همان طور که قبل تر نیز گفتیم اصولاً یادتان باشد که دنبال زیاد یاد گرفتن نباشید بلکه دنبال دقیق یاد گرفتن باشید.

«إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (الرؤف: ۳)

حرف فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ صفت حرف مشتبهه فعل مشتبهه

ترجمه: بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

ترجمه این آیه کمی متفاوت است و به شکل تحت اللفظی نیامده، اما چون ترجمه کتاب درسی است چاره ای نیست، آن را حفظ کنید.

کالبدشکافی: «إِنَّا» مخفف «إِنْنَا» است که در اصل «إِنْ + نَا» بوده است. • «جَعَلَ» از فعل های دومفعولی است و دو مفعول پذیرفته، لیست فعل های دومفعولی را در درس ۵ پایه دهم در بخش ویژه آورده ایم. • «تَعْقِلُونَ» فعل مضارع ثلاثی مجرد و معلوم است. • «قُرْآن» خواندن مصدر و نکره است.

اختبر نفسك (۱)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمُ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ.

فعل و فاعل مفعول ماله فعل و فاعل مفعول وابسته صفت

ترجمه: خودت را بیازمای (۱): این دو آیه کریمه را ترجمه کن.

کالبدشکافی: «اِخْتَبِرْ» (از باب «إفتعال») و «تَرْجِمُ» هر دو، فعل امر هستند. • اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره مضاف الیه نیست، بلکه وابسته است.

دقت کنید که بعد از اسم های اشاره، ضمایر، اسم های «ال» دار، اسم های تنوین دار، اسم های علم (خاص) و فعل ها هرگز مضاف الیه نمی آید.



۱- ﴿فَهَذَا يَوْمُ النَّبِثِ وَ لِكُلِّكُمْ كُنُوسٌ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (الزوم، ۵۶)

مبتدا خبر مالمیه حرف مشبته فعل ناقصه فعل و فاعل

ترجمه این روز رستاخیز است؛ ولی شما نمی دانستید.

کالبر شکافی: دقت کنید که ترجمه «هذا اليوم بعث؛ این روز، رستاخیز است.» را با آیه فوق اشتباه نگیرید. «کان» + مضارع، ماضی استمراری می سازد.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ضَرْأً كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ﴾ (الصف، ۲)

حرف مشبته مفعول فعل و فاعل ج م مالمیه فید حرف مشبته صفت

ترجمه همانا خداوند کسانی را که در راهش صف در صف (پشت به پشت) می جنگند، دوست دارد؛ آن ها مثل (گویی آن ها) ساختمانی استوار هستند.

کالبر شکافی: «إِنَّ» و «كُنْ» حرف مشبته هستند. «اللَّهُ» قبل از فعل آمده و فاعل نیست. «يُحِبُّ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

که در اصل «يُحِبُّ» بوده. «يُقَاتِلُونَ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مزید از باب «مُفاعلة» است.

لغات مشابه: «قَتَلَ: کُت» / «قَاتَلَ: جنگید»

• «بُنْيَان» یک اسم مفرد و مصدر است نه مثنی. • «مَرْصُوع» اسم مفعول از ثلاثی مجزء است.

ترجمه و آنالیز جملات: اَعْلَمُوا

﴿... لَا يَعْلَمُ نَسَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...﴾ (البقرة، ۳۲)

لای نفی جنس ج م مستثنی فعل و فاعل مفعول

ترجمه جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست.)

کالبر شکافی: در ترجمه ساختار «لَا» ی نفی جنس... + «ل» + اسم یا ضمیر، از «نداشتن» استفاده می کنیم.

مثال: لَا تَجْرِبَةُ لَكُمْ. ← هیچ تجربه ای ندارید.

• هرگاه دو ضمیر به فعل بچسبند، حتماً اولی فاعل است و دومی مفعول. به همین خاطر «تَد» فاعل شد و «نا» مفعول.

مثال: أَخْرَجْنَاكُمْ. ← ما شما را خارج کردیم.

فاعل مفعول

• فعلاً بدانید که اسم بعد از «إلا» نقش «مستثنی» دارد تا در درس سوم مفضلاً با آن آشنا شویم. • «عَلَّمْتَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

﴿لَا تَنْزِلُ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ﴾ (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

لای نفی جنس ج م

ترجمه هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت نیست.

کالبر شکافی: اولاً «أَعْنَى» اسم تفضیل است؛ ثانیاً به ترجمه آن دقت کنید که گفته «بی نیاز تر»، بلکه گفته «بی نیاز کننده تر».

اختبر نفسك (۲)

﴿تَرْجِمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ﴾

ترجمه حدیث های زیر را براساس قواعد درس ترجمه کن.

۱- لَا خَيْرَ فِي قَوْلِ الْإِمَامِ الْفِعْلِ. (رسول الله ﷺ)

ترجمه هیچ خیری در سخنی نیست مگر به همراه عمل.

کالبر شکافی: «مَعَ الْفِعْلِ» جار و مجرور نیست بلکه مضاف و مضاف الیه است. • «خَيْر» هم می تواند مصدر باشد

و هم اسم تفضیل که در اینجا چون مضاف نشده و با حرف جر «مِنْ» نیامده، اسم تفضیل نیست. اصولاً اگر «خَيْر»، «ال»

بگیرد و یا بعد از «لَا» ی نفی جنس بیاید و یا همراه خود «صفت» بیاورد، مصدر است نه اسم تفضیل.

۲- لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

ج م مالمیه

ترجمه هیچ جنگی مثل جنگ با خود نیست. / هیچ پیکاری مثل پیکار با نفس نیست.

۳- لَا لِيَأْسَ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَاقِبَةِ. (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

ج م

ترجمه هیچ لباسی زیباتر از تندرستی (سلامتی) نیست.

کالبر شکافی: «أَجْمَلٌ» اسم تفضیل بر وزن «أفعل» و «العاقبة» مصدر است.

۴- لَا فَتْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاتَ كَالْأَدَبِ. (أمير المؤمنين علي عليه السلام)

ج م

ج م

ترجمه هیچ فقری مثل نادانی و هیچ میراثی (ارثی) مثل ادب نیست.

کالبر شکافی: «مِيرَات» مفرد است نه جمع، جمع آن «مَوَارِيث» است.





۵- لا سوء أشوأ من الكذب. (أخبار المؤمنين علي بن أبي طالب)

ج ۴

ترجمه هیچ بدی ای، بدتر از دروغ نیست.

کالبد شکافی: «أشوأ» اسم تفضیل بر وزن «أفعل» است.

دقت کنید «لا» در هر پنج عبارت از نوع نفی جنس است.

اختیار نفسک (۳)

إملاً الفراغ في ما يلي، ثم عيّن نوع «لا» فيه.

ترجمه جای خالی را در آنچه می آید، پر کن؛ سپس نوع «لا» را در آن معلوم کن. مادر اینجا کلمات مورد نظر برای جای خالی را رنگی آورده ایم.

کالبد شکافی: «یلى» فعل مضارع است. گوی اینکه سه حرف دارد را نخورید و آن را ماضی تصور نکنید.

۱- ﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...﴾ (الأنعام، ۱۰۸)

فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل ج م مایه فعل و فاعل مفعول

ترجمه و کسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند دشنام ندهید؛ زیرا که به خدا دشنام دهند....

کالبد شکافی: نوع «لا» در «لَا تَسْبُوا» نهی است، چون نون را از آخر فعل حذف کرده.

• «لَا تَسْبُوا» فعل ثلاثی مجرد است. • به عنوان یک تذکر، حواستان باشد که «تَسْبُوا» دشنام دهند» به شکل مضارع التزامی ترجمه شده و حرف نون از آخر آن افتاده، علت این قضیه خارج از کتاب درسی و امتحان نهایی است، پس آن را صرفاً حفظ کنید و به خاطر بسپارید.

لغات مشابه: «سَبَّ» دشنام داد / «سَبَّبَ» باعث شد

۲- ﴿وَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...﴾ (یونس، ۶۵)

فعل مفعول فاعل مایه ج م فیدحالت

ترجمه گفتارشان تو را نباید ناراحت کند (تو را ناراحت نکنند)؛ زیرا ارجمندی، همه از آن (برای) خداست.

کالبد شکافی: «لا» انتهای فعل (يَخْرُجُ) را ساکن کرده؛ پس نهی است. • اگر مفعول ضمیر متصل باشد و فاعل از نوع اسم، مفعول بر فاعل مقدم می شود.

مثال: أَنْقَذَ هَا الشَّرْطِيُّ. ← پلیس او را نجات داد.

فعل مفعول فاعل

• «إِنَّ» در این آیه معنای «زیرا» می دهد که یک نکته بسیار مهم و حساس است؛ اصولاً وقتی «إِنَّ» بعد از فعل امر یا نهی قرار بگیرد، می تواند معنای «زیرا» دهد که این نکته را در درسنامه کاملاً بررسی کرده ایم.

۳- ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَتْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَتْلَمُونَ...﴾ (الزُّمَر، ۹)

حرف فعل فاعل صله معطوف صله

ترجمه آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند؟

کالبد شکافی: «هل» حرف پرسشی است و حروف، نقش (محل اعرابی) ندارند.

• «يَسْتَوِي» از باب «إِفْتَعَال» است نه «إِسْتِفْعَال»؛ اصولاً وقتی حرف دوم فعل «س» و حرف سوم آن «ت» است، شک می کنیم که کلمه مورد نظر از باب «إِفْتَعَال» است یا «إِسْتِفْعَال» که بهترین راه برای تشخیص باب (مصدر)، شمارش تعداد حروف فعل است؛ به این صورت که اگر فعلمان «پنج» حرف داشت، از باب «إِفْتَعَال» است و اگر «شش» حرف داشت، از باب «إِسْتِفْعَال».

مثال: إِسْتَعْدَ ← «پنج» حرف دارد و از باب «إِفْتَعَال» است. • إِسْتَكْمَلَ ← «شش» حرف دارد و از باب «إِسْتِفْعَال» است.

• جمله صله جمله ای است که پس از «الَّذِي» الَّتِي» و «مَنْ» و «مَا» ی وسط جمله می آید. این جمله نقشی ندارد و صرفاً تکمیل کننده معنا است. اسم این جمله در کتاب نیامده و در امتحان نیز شناسایی آن را از شما نمی خواهند، فقط بدانید که چنین جمله ای را به عنوان خبر یا جمله وصفیه در نظر بگیرید.

۴- ﴿... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ (البقره، ۲۸۶)

منادا مایه فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ ج م ج م

ترجمه [ای] پروردگار ما، آنچه را که هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل مکن.

کالبد شکافی: «لا» در «لَا تَحْمِلْنَا» نهی است و در «لَا طَاقَةَ» نفی جنس. • «رَبَّنَا» براساس اطلاعات کتاب درسی به دو صورت ترجمه می شود: «پروردگارا، ای

پروردگار ما» • «حَمَلَ - يُحْمَلُ» از افعال دومفعولی است که در این آیه دو مفعول گرفته. • «تَحْمَلُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تفعیل» و مصدر آن «تحمیل» است نه «تحمل». • دقت کنید که ساختار «لا... لنا» به شکل «نداریم» ترجمه شده.

۵- لا یزحُمُ اللّهُ مَنْ لا یزحُمُ النّاسَ. (رسول الله ﷺ)
فعل فاعل مفعول فعل وفاعل مفعول

ترجمه خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نمی کند (رحم نکند).

کالبر شکافی: هر دو «لا» از نوع نفی هستند؛ زیرا خبر منفی می دهند و آخر مضارع را تغییر نداده اند. «یَزحُمُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است.

• • • • • التَّمْدِینُ الْأَوَّلُ • • • • •

۱۱ ائِ کَلِمَةٍ مِنْ کَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِیْحَاتِ التَّالِیَةِ؟
مبتدا مالمیه ج م مالمیه مالمیه فعل مفعول صفت

ترجمه کدام کلمه از کلمات لغت نامه درس، مناسب توضیحات زیر است؟

ممکن است برایتان سؤال شود که چراگاهی صورت سؤالات را هم بررسی و آنالیز کرده ایم؟ پاسخ مشخص و واضح است. اولاً صورت سؤالات هم جزء کتاب درسی هستند؛ ثانیاً بعضاً دیده شده که از صورت سؤالات نیز سؤال طرح شده (مخصوصاً سؤالات قواعدی)، ثالثاً نکات خوبی در تیترو سؤالات وجود دارد که حیفاً است بررسی نشود. رابعاً هدف از این کار مرور نکات قواعدی برای شما است. خامساً ارزش این کار زمانی بیشتر می شود که بدانیم سایر کتاب ها و جزوات اصلاً به بررسی آن ها نپرداخته اند؛ ولی شما می توانید تحلیل این قسمت را نیز داشته باشید.

کالبر شکافی: «مُعْجَم» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «إفْعَال» است. (مُعْ + مَ + نَ) • «تُنَاسِبُ» خبر از نوع جمله فعلیه برای «ائِ» است. ضمناً فعل مضارع معلوم ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَةٌ» و مصدرش «مُنَاسَبَةٌ» است نه «تَنَاسَبٌ». • «التَّالِیَةِ» اسم فاعل است. یادتان باشد که کلمات بر وزن «الفاعی» و «الفاعیه» اسم فاعل هستند.

۱- اِنَّهٗ ذَاتُ یَسَدٍ مِنَ الخَشَبِ وَ یَسِّنُ غَرِیضَةً مِنَ الخَدِیدِ یُقَطِّعُ بِهَا.
صفت مالمیه ج م معطوف صفت ج م فعل مجهول ج م

ترجمه وسیله ای دارای دسته ای از چوب و تیغه ای (دندانهای) پهن از آهن که به وسیله آن (چیزی) قطع می شود. «یَسِّنُ» الفاس؛ تبر؛

کالبر شکافی: یادگیری نقش اسم اول در این چهار عبارت برای شما لازم نیست. روی آن حساس نشوید؛ اما اگر برای خودتان سؤال است. این کلمات نقش خبر دارند و اسم در جای خالی مبتدا است. در واقع جمله در اصل چنین بوده: «الفأسُ آلهٌ...»
مبتدا خبر

• ممکن است بپرسید «عریضة» که مؤنث است و «آله» دارد، چطور صفت برای «سن» شده؟ بدانید که «سن» مؤنث معنوی است. مثل «نفس، شمس، أرض، نار، دار، روح، ریح، بثر» و... که مؤنث معنوی بودند. • «یُقَطِّعُ» فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد (قَطَعَ - یُقَطِّعُ) و جمله وصفیه برای اسم نکره قبلش. یعنی «آله» است.

۲- تَمَثَّلَ مِنْ خَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ خَدِیدٍ یُغْبَسِدُ مِنْ دُونَ اللّهِ.
ج م معطوف معطوف فعل مجهول ج م مالمیه

ترجمه مجسمه ای از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خداوند پرستیده می شود. «یُغْبَسِدُ» الصنم؛ بت؛

کالبر شکافی: «خَجَرٍ، خَشَبٍ، خَدِیدٍ» هر سه نکره هستند؛ ولی چون بیانگر یک چیز کلی و در واقع یک جنس هستند، معرفه ترجمه شدند. روی آن حساس نشوید. • «أَوْ» معنای «یا» دارد. نقش اسم بعد از آن معطوف است؛ البته در امتحان نهایی آن را از شما نمی خواهند. فقط بدانید که «أَوْ» معنای «و» نمی دهد و حرف جر نیست. چون خیلی ها چنین اشتباهی را مرتکب می شوند. • «یُغْبَسِدُ» فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد (غَبَسَدَ - یُغْبَسِدُ) و جمله وصفیه (جمله بعد نکره) برای اسم نکره قبلش. یعنی «تَمَثَّلَ» است.

۳- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الجِسْمِ یَقَعُ أَعْلَى الجِدْعِ.
ج م مالمیه فعل فید مالمیه

ترجمه عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع می شود (قرار دارد). «یَقَعُ» الکتف، الکتف؛ شانه؛

کالبر شکافی: «یَقَعُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است؛ ولی سه حرف دارد. خیلی ها آن را با فعل ماضی اشتباه می گیرند و آن را به شکل «واقع شده است» ترجمه می کنند که غلط است. ماضی «یَقَعُ» می شود «وَقَعَ». ضمناً «یَقَعُ» جمله وصفیه برای اسم نکره قبلش. یعنی «عضو» است. • «أَعْلَى» اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» است؛ ولی در اینجا با «تر» یا «ترین» ترجمه نشده. این نکته فوق العاده مهم است.

۱. «مؤنث معنوی» اسم هایی هستند که علامت تأنیت ندارند. ولی «مؤنث» به شمار می آیند.



۴- التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ

ج م معطوف ج م صفت

ترجمه ترک‌کننده باطل و متمایل (گرونده) به دین حق. **پاسخ** «الحنیف: یکتاپرست»

کالبد شکافی: «التَّارِكُ» و «الْبَاطِلُ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد و «الْمُتَمَائِلُ» اسم فاعل ثلاثی مزید (از باب «تَفَاعُلُ») هستند.

۵- إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ

فعل و فاعل ج م صفت

ترجمه به درستی که آن‌ها شروع کردند با سختی پنهان حرف بزنند. **پاسخ** «بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ: شروع به بیچ بیچ کردند.»

کالبد شکافی: «يَتَكَلَّمُونَ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّلُ» است.

التَّمْدِينُ الثَّانِي

تَرْجِمُ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيَّنَ الخَرْفَ المُشْتَبِهَةَ بِالفِعْلِ، وَ لا النَّافِيَةَ لِلجنسِ.

فعل و فاعل مفعول صفت حرف فعل و فاعل مفعول صفت ج م معطوف صفت ج م

ترجمه عبارات زیر را ترجمه کن؛ سپس حرف مُشْتَبِهَةَ بِالفِعْلِ و «لا»ی نفی جنس را معین کن.

کالبد شکافی: «تَرْجِمُ» و «عَيَّنَ» فعل امر هستند، «المُشْتَبِهَةَ» اسم مفعول (مُتَمِّتٌ) از باب «تَفْعِيلُ» و «النَّافِيَةَ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

۱- «قِيلَ ادْخُلِ الخِئْتَةَ قَالِ يَا لَيْسَتْ قَوْمِي يَغْلَمُونَ بِمَا غَفَزَ لِي زَيْبِي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (بِس: ۳۶ و ۳۷)

فعل مجهول فعل و فاعل مفعول فعل حرف مشتبهه م اليه فعل و فاعل م اليه فعل مفعول ج م

ترجمه گفته شد؛ وارد بهشت شو! گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داده است.

کالبد شکافی: «قِيلَ» فعل مجهول «قال» است. «ادْخُلِ» فعل امر از ثلاثی مجرد است.

• «جَعَلَنِي: جَعَلَ + ن + ي» است، پس نون وقایه داریم. • «الْمُكْرَمِينَ» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «إفْعَاله» است. (مُتَمِّتٌ)

• تمام فعل‌های این دو آیه، ثلاثی مجرد هستند.

۲- «... لَا تَحْزَنَنَّ إِنَّ اللهَ مَعَنَا...» (التَّوْبَةُ: ۴۰)

فعل و فاعل حرف فید م اليه مشتبهه

ترجمه ناراحت مشو، زیرا خدا با ما است.

کالبد شکافی: «لَا» از نوع نهی است. • «تَحْزَنَنَّ» فعل ثلاثی مجرد است. • چون «إِنَّ» بعد از فعل نهی آمده، بهتر است

به شکل «زیرا» معنا شود؛ اما به درستی که «نیز درست است. • «مَعَ» اسمی است که همراه خود «مضاف الیه» دارد.

🔔 ممکن است بپرسید چرا در «اختبر نفسک ۳» عبارت شماره ۲ «تَحْزَنَنَّ» به معنای «ناراحت می‌کند» بود؛ ولی اینجا «تَحْزَنَنَّ» به معنای «ناراحت می‌شود»

است؟ بالاخره این فعل یعنی «ناراحت شدن» یا «ناراحت کردن»؟ در جواب بدانید که با دو فعل کاملاً متفاوت روبه‌رو هستیم:

۱ «حَزَنَ، يَحْزَنُ: ناراحت شد» ۲ «حَزَنَ، يَحْزَنُ: ناراحت کرد» که هر دوی این فعل‌ها ثلاثی مجرد هستند؛ ولی اولی بدون مفعول می‌آید و ناگذر (لازم) است و

دومی مفعول‌پذیر و گذرا (متعدی) است.

۳- «... لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ...» (الضَّالَّات: ۳۵)

ترجمه هیچ معبودی جز الله (خدای یگانه) نیست.

کالبد شکافی: «لَا» از نوع نفی جنس است. • «إِلَه» نکره است و «الله» معرفه از نوع علم.

۴- لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. (رَسُولُ اللهِ ﷺ)

م ج م ج

ترجمه هیچ دینی ندارد کسی که هیچ [وفایی به] پیمانی ندارد.

کالبد شکافی: هر دو «لَا»ی نفی جنس هستند. • دقت کنید که «لَا... لِ...» به شکل «ندارد» ترجمه شده است.

۵- إِنْ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرَجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (رسول الله ﷺ)

حرف ج م فعل فاعل قيد مالمیه ج م مالمیه
مشبّه

ترجمه همانا از سنت است که مرد (شخص) تا در خانه با مهمان خود خارج شود (بیرون برود).

■ **لغات مشابه:** «السُّنَّةُ؛ سُنَّت» / «السُّنَّةُ: سال» / «السُّنَّةُ: زبان ها» جمع کلمه «لسان» است. / «السُّنَنُ: دندان» جمع آن «أسنان» است.

■ **کالبد شکافی:** بعد از حروف مشبّهه یا اسم می آید یا ضمیر یا جار و مجرور (مثل جمله بالا)، ولی هرگز این حروف مستقیماً با فعل نمی آیند.

■ «الدَّار» مؤنث معنوی است. ■ «يُخْرَجُ» فعل مضارع منصوب و ثلاثی مجرد است.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

■ أ، إقْرَأِ الشُّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجُمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا.

ترجمه شعر منسوب (نسبت داده شده) به امام علی را بخوان، سپس ترجمه کلمه هایی را که زیرشان خط

است، معین کن. (ما در اینجا لغات مربوط را رنگی آوردیم.)

■ أَيْهِيَ الْفَاجِرُ جَهْلًا بِالنُّسْبِ مبتدا ج م
إِنَّمَا النَّسَبُ لِأُمِّ مبتدا ج م
وَأَبِّ مبتدا ج م

ترجمه ای که نابخردانه (از روی جهل) افتخارکننده به **دودمان** (اصل و نسب) هستی، مردم، تنها از یک

مادر و یک پدرند.

■ **کالبد شکافی:** «الفاجر» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است. ■ «إنما» به معنای «فقط، تنها» بوده و از حروف مشبّهه نیست، یعنی هم با اسم می آید و هم با

فعل، پس آن را با «إِنْ» قطعاً اشتباه نگیرید. ضمناً ترجمه «إنما» قبل از رکن دورتر قرار می گیرد. مثلاً در بیت بالا نگفتیم: «تنها مردم، از یک مادر و یک پدرند»

بلکه گفتیم: «مردم، تنها از یک مادر و پدرند»، پس ترجمه «إنما» برای قسمت نزدیک به آن نیست و برای بخش دورتر است. ■ حواستان باشد که «إِ» در «لِأُمِّ

وَأَبِّ» معنای «از» می دهد. ■ «لِأُمِّ» خبر برای «الناس» است.

■ هَلْ تَسْرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ فعل مفعول فعل مجهول ج م
أَمْ خَسِدِيْدٍ أَمْ نَحْسَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ معطوف معطوف معطوف

ترجمه آیا آنان را می بینی (می پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده اند؟

■ **کالبد شکافی:** «تری: می بینی» فعل مضارع ثلاثی مجرد از «رأى: دید» در صیغه مفرد مؤنث مخاطب است. ■ «خُلِقُوا» فعل ثلاثی مجرد و مجهول است.

■ «أَمْ» مثل «أَوْ» معنای «یا» دارد و از حروف جازه نیست. برای اطلاع خودتان بدانید که «أَمْ» و «أَوْ» مثل «و» حرف عطف هستند.

■ «خسید، نحاس، ذهب» هر سه نقره هستند، ولی چون کلی و بیانگر یک جنس هستند، معرفه ترجمه شدند.

■ هَلْ تَسْرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ فعل مفعول فعل مجهول ج م
هَلْ يَبْوَى نُخْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَضْبٍ؟ مالمیه معطوف معطوف معطوف

ترجمه بلکه آنان را می بینی که از **تکه گلی** آفریده شده اند. آیا به جز گوشت و **استخوان** و پی اند؟

■ **کالبد شکافی:** «سوی: به جز» را با «سواء: یکسان» اشتباه نگیرید.

■ إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ حرف مبتدا ج م (خبر) صفت
وَ خِيَسَاءٍ وَ عَفْسَافٍ وَ أَدَبٍ معطوف معطوف معطوف

ترجمه افتخار، تنها به خردی استوار، **شرم**، پاکدامنی و ادب است.

■ **کالبد شکافی:** حواستان هست که «إنما» قبل از «لِعَقْلِ» یعنی رکن دورتر ترجمه شد؟ ■ «ثابت» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

■ «عقل» موصوف «ثابت» است.

■ ب) استخرج من الآيات اسم الفاعل، و الفعل المجهول، و الجار والمجرور، و الصفة والموصوف.

ترجمه اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور، صفت، و موصوف را از آیات استخراج کن.

■ **پاسخ** اسم فاعل: الفاجر، ثابت / فعل مجهول: خُلِقُوا / جار و مجرور: بِالنُّسْبِ، لِأُمِّ، لِأَبِّ، مِنْ فِضَّةٍ، مِنْ طِينَةٍ، لِعَقْلِ / صفت: ثابت / موصوف: عقل

التَّمْرِينُ الخَامِسُ

ترجمه انواع الفعل في الجمل الثانية.

ترجمه انواع فعل را در جمله های زیر ترجمه کن.

- ۱- رَجَاءٌ، أَكْتُبُنَ حُلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِيكَ. لطفاً حل پرسش ها را با هم کلاسی هایتان بنویسید.
- ۲- إِنْ تَكْتُبَ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضَيِّحُ خَطُّكَ قَبِيحاً. اگر با عجله بنویسی، خطت زشت خواهد شد.
- 🔔 فعل شرط است و به شکل مضارع التزامی ترجمه می شود.
- ۳- أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذُّكْرِيَّاتِ. می خواهم [که] خاطره ای در دفتر خاطرات بنویسم.
- 🔔 «ان» با مضارع، مضارع التزامی می سازد.
- ۴- لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. [انسان] خردمند، روی آثار تاریخی [هرگز] نخواهد نوشت.
- 🔔 «لن» آینده منفی می سازد و می توان در ترجمه آن از «هرگز» استفاده کرد.
- ۵- إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ. قطعاً او اندیشه هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
- 🔔 «سوف» با مضارع، آینده مثبت می سازد.
- ۶- عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ ثَمْرِيَّةً. هنگامی که او را دیدم، تمرینش را می نوشت.
- 🔔 «کان» با مضارع، ماضی استمراری می سازد.
- ۷- قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ. تنبل، تمرین های درس را گاهی می نویسد/شاید بنویسد.
- 🔔 «قد» با مضارع معنای «گاهی»، «شاید»، «ممکن است» می دهد و فعل مضارع به شکل اخباری یا التزامی ترجمه می شود.
- ۸- يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟ ای دانش آموزان، چرا ترجمه را نمی نویسید؟
- ۹- رَجَاءٌ، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ. لطفاً روی جلد کتاب ننویسید.
- 🔔 فعل نهی مخاطب داریم چون حرف «ن» از آخر فعل حذف شده است.
- ۱۰- هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لَصَدِيقَتِهَا. او نامه ای به دوستش نوشته است.
- 🔔 «قد» با ماضی، ماضی نقلی می سازد.
- ۱۱- لَتَكْتُبَنَّ جُمَلًا جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا. در دفترهایمان جمله هایی زیبا باید بنویسیم.
- 🔔 «ل» امر داریم که به معنای «باید» است؛ چون «ل» آخر فعل را ساکن کرده می فهمیم که از نوع امر یا جازمه است.
- ۱۲- أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ. من دیروز تکلیف هایم را ننوشتیم/ ننوشته ام.
- 🔔 «لم» با مضارع مجزوم، ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی می سازد.
- ۱۳- مَا كَتَبْنَا شَيْئًا عَلَى الْجِدَارِ. روی دیوار چیزی ننوشتیم.
- ۱۴- كَيْبٌ حَدِيثٌ عَلَى اللُّوحِ. حدیثی روی تخته نوشته شد.
- 🔔 فعل ماضی مجهول داریم که با مصدر «شدن» ترجمه می شود.
- ۱۵- كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجْوِبَةَ. جواب ها را می نوشتند.
- ۱۶- كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرْسَهُمْ. درسشان را نوشته بودند.
- 🔔 «کان» + «قد» + ماضی، ماضی بعید می سازد.
- ۱۷- يَكْتُبُ نَصَّ قَصِيرٍ. متنی کوتاه نوشته می شود.
- 🔔 فعل مضارع مجهول داریم که در ترجمه با مصدر «شدن» می آید.

سوالات امتحان

لغات (۱۸۱ سؤال)

۳۱ سؤال

ترجمه واژه

مشاوره: در امتحان نهایی هرساله یک نمره از معنای لغت سؤال داریم؛ به این شکل که چهار کلمه را (معمولاً ۲ فعل و ۲ اسم) در جمله می‌دهند و زیر لغت مورد نظر خط می‌کشند تا شما ترجمه دقیق را بنویسید، حتی‌الامکان سعی کنید کلمه را بر اساس ساختار جمله و تأثیرات آن بر لغت مدنظر طراح ترجمه کنید. مثلاً در عبارت «کان العابر یمز بالفقير» زیر «یمز» خط کشیده شده که ظاهراً یک فعل مضارع است، ولی چون قبل از آن «کان» آمده، باید به شکل ماضی استمراری ترجمه شود (می‌گذشت)؛ پس به نکات مختلف مثل مفرد و جمع بودن، معرفه و نکره بودن و... توجه کنید.

۱) ترجمه کلمات التي تحتها خط:

۱. قرأنا أنشودة في الصف.

۲. «أقيم وجهك للدين خنيفاً»

۳. يا إلهي! أعني في دروسي.

۴. علق الأب الملايس على غصون الأشجار.

۵. خلقوا من نحاس.

۶. إنارة القلب والعقل مفيدة.

۷. واملأ الضدراً شراحاً / و فمي بالبسمات

۸. هل يسوي لحم وعظم وعصب.

۹. لا تطعموا المساكين مما لا تأكلون.

۱۰. واملأ الدنيا سلاماً / شاملاً كل الجهات

۱۱. «رب اجعلني مقيم الصلاة»

۱۲. وصل الزوار إلى مطار التجف الأشرف.

۱۳. قد حدثنا القرآن صراع الأنبياء مع الكافرين.

۱۴. و أيز عقلي و قلبي / بالعلوم النافعات

۱۵. «قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون بما غفر لي ربي»

۱۶. يا إلهي، يا إلهي / يا مجيب الدعوات

۱۷. غلبنا أن نكرم الضيوف في الدار.

۱۸. يتأكد الطائر من خداع العدو.

۱۹. املأ الدنيا سلاماً شاملاً.

۲۰. يا إلهي، أعين المسلمين في حياتهم.

۲۱. واجعل التوفيق خطي / ونصبي في الحياة

۲۲. ليم تفرق بين أطفالك؟

۲۳. يطير الطائر لإنقاذ حياة فراخه بعتة.

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ دهم)

(دی ۱۴۰۱)

(دی ۹۸ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شهریور ۱۴۰۱)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

پرتکرار (خرداد ۹۸ انسانی، شهریور ۱۴۰۲)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)



(دی ۹۸ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۹۸)

پُر تکرار (خرداد و شهریور ۹۸)

(شهریور ۹۸)

پُر تکرار (خرداد و دی ۹۹)

(شهریور ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۰)

۲۴. بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ / هَلْ يَسُوئُ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

۲۵. عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الضَّمِّ.

۲۶. أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۲۷. شَعَائِرُهُ كَانَتْ حُرَافِيَّةً.

۲۸. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۲۹. إِنَّ الْعَصَبَ مَفْسَدَةٌ.

۳۰. كَسَّرَ إِبْرَاهِيمَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ.

۳۱. قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.

(۳۵ سؤال)

شناخت مفرد و جمع مکسر

مشاوره: در یک امتحان نهایی استاندارد، معمولاً نیم نمره به شناخت مفرد و جمع مکسر اختصاص دارد (هر کدام ۰/۲۵)، در این باره حواستان باشد که تمام لغات درس را کامل بخوانید، چون بارها حتی از پاورقی هم سؤال داشته‌ایم. در کل این قسمت چالش خاصی ندارد و فقط ممکن است کلمات شبیه به هم کار را برایتان دشوار کند؛ مثلاً جمع «عظم» می‌شود «عظام» و جمع «اعظم» می‌شود «اعظام» که البته جای نگرانی نیست؛ زیرا در ابتدای درس، یک کادر مفصل و مبسوط مخصوص مفرد و جمع مکسر برایتان قرار داده‌ایم، همان را بخوانید، کافی است.

۲) اکتب مفرد أو جمع المفردات التالية:

۳۲. السُّيَاحُ (المفرد): (خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای) ۳۳. الشُّعُوبُ (المفرد):

۳۴. العُصُورُ (المفرد): (شهریور ۹۹) ۳۵. التُّقَادُ (المفرد):

۳۶. الأَنَاشِيدُ (المفرد): ۳۷. الأَصْنَامُ (المفرد):

۳۸. الأَعْضَاءُ (المفرد): (دی ۱۴۰۱ انسانی) ۳۹. الْفِرَاحُ (المفرد):

۴۰. الْفَأْسُ (الجمع المكسر): ۴۱. الْكَتِفُ (الجمع المكسر):

۴۲. الْعِيدُ (الجمع المكسر): ۴۳. النَّبِيُّ (الجمع المكسر):

۴۴. اللَّحْمُ (الجمع المكسر): ۴۵. الْحَظُّ (الجمع المكسر):

۴۶. الشُّرْبَانُ (الجمع المكسر): ۴۷. الشَّرُّ (الجمع المكسر):

۳) اِنتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمَفْرَدِ أَوْ الْجَمْعِ:

۴۸. مفرد «الكتابات»:

الف (الكتاب)

ب (الكتابة)

۴۹. جمع «العظم»:

الف (العظام)

ب (الأعاطم)

۵۰. جمع «الغنى»:

الف (الأغنياء)

ب (الأغنى)

۵۱. مفرد «الضُّيُوفُ»:

الف (المضياف)

ب (الضييف)

۵۲. مفرد «الأصَاغِرُ»:

الف (الأصغر)

ب (الصغرى)

۵۳. مفرد «الآلِهَةُ»:

الف (الله)

ب (إله)

۵۴. جمع «المسكين»:

الف (المساكين)

ب (المساكين)

۵۵. مفرد «الحضارات»:

الف (الحاضرة)

ب (الحضارة)

۵۶. مفرد «التُّقُوشُ»:

الف (التقاش)

ب (التقش)

۵۷. جمع «اليد»:

الف (الأيدي)

ب (اليدان)

۵۸. مفرد «العباد»:

الف (العابد)

ب (العبد)

۴) گم جمع تکسیر فی العبارات التالية:

۵۹. اکتشف الإنسان الحضارات والرُسومَ و التَّمائیلَ مِن خلالِ الأثارِ القَدیمَةِ. الف) خمسة ب) ثلاثة
۶۰. إزدادت هذه الحُرُافاتُ فی الأديانِ الإلهيَّةِ عَلى مَرِّ العُصورِ. الف) اثنان ب) أربعة
۶۱. حاوَلَ الرُّسُلُ أن يُنقِذوا أقوامَهُم مِن عِبادةِ الأصنامِ. الف) اثنان ب) ثلاثة
۶۲. لا تأخُذوا الباطلَ مِن أهلِ الحقِّ و كونوا نُقَادَ الكلامِ. الف) واحد ب) ليس لها جمع تكسيري
۶۳. واخميني واخمي بلادِي / مِن شُرورِ الحادِثاتِ الف) اثنان ب) ثلاثة
۶۴. كانَ تَعَدُّدُ المَعبُوداتِ و تَقديمِ القَرابينِ مِن شَعائِرِ القَدَماءِ. الف) أربعة ب) ثلاثة
۶۵. اِكْتَسابُ رضا اللهِ مِن آمالِ بَعْضِ الأشخاصِ. الف) ثلاثة ب) اثنان
۶۶. كَتَبنا عَلى صُحفِ جِداریَّةِ ذِکریاتِ شُهَداءِ الحَرَبِ. الف) واحد ب) اثنان

(سؤال ۳۲)

متضاد و مترادف

مشاوره: یکی از پای ثابت‌های امتحان نهایی، سؤال **متضاد و مترادف** است که ۷۵٪ را به خودش اختصاص می‌دهد و شامل **سه کلمه** است. البته شکل ظاهری آن متفاوت است؛ ممکن است **سه جمله** بدهند و بگویند از بین این سه جمله، متضاد و مترادف‌های موجود را پیدا کنید و ممکن است **سه کلمه** بدهند و از شما بخواهند جلوی هر کلمه متضاد یا مترادف آن را بنویسید، اما نکته مهم این است که معمولاً خود کلمات را می‌دهند و شما باید از بین آن‌ها متضاد و مترادف‌ها را انتخاب کنید، پس غالباً نیاز نیست که آن‌ها را از حفظ بنویسید. ما هم از شکل‌های مختلف آن برایتان سؤال آورده‌ایم.

۵) اِنتخبِ المُترادفِ أو المُتضادَ مِن بَينِ المُفرداتِ التَّالِيَةِ:

(مُستحکم - هِدایة - أَحسن - خَفِظَ - خِداع - تَقَرَّبَ - نَصَرَ)

۶۷. حيلة = ۶۸. تَجَنَّبَ =
۶۹. صَلاةٌ = ۷۰. أَعانَ =
۷۱. تَدید = ۷۲. أَسوأ =
۷۳. حَمِي =

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

۷۴. المُتضادُ لِكَلِمَةِ «الحرب»:

هو يُطعمُ الطَّعمَ و ينشرُ السَّلامَ.

۷۵. المُترادفُ لِكَلِمَةِ «أرسل»:

فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِالهُدَى.

۶) عَيِّنِ المُترادفَ و المُتضادَ:

(شهریور ۱۴۰۱)

۷۶. الخیر / العُصَبُ / السَّوءُ / الحَبیبُ / المَفسدَةُ / الصَّديقُ

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

الف) = ب) =

۷۷. عِنْدما يَتَأَكَّدُ الظانِرُ مِن خِداعِ العَدُوِّ يَطْمَئِنُّ مِن إنقادِ فراخِهِ.

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

۷۸. الكِبائِرُ يُعِينونَ في صُوباتِ الحِياةِ عَنِ الصَّغارِ و يَنْصُرُونَهُم في حَواذِثِ الدَّهْرِ.

الف) = ب) =

۷) عَيِّنِ الصَّحيحَ في المُترادفِ لِما تَحْتَهُ حَظًّا:

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

۷۹. «لا تَجِدُ التَّراغُ بَينَ المُؤمِنينَ و المُؤحَدِّينَ»

الف) السُّلْمُ ب) الصِّراعُ ج) السُّدى د) الصُّداعُ

۸) اِجْعَلْ عَلامَةَ التَّرادفِ أو التَّضادِ بَينِ المُفرداتِ التَّالِيَةِ (=):

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۸۰. سارَعٌ عَجَلٌ
۸۱. دارٌ بَيتٌ
۸۲. سيرةٌ طَريقةٌ
۸۳. حَدَثٌ كَلِمٌ
۸۴. صِراعٌ سِلْمٌ
۸۵. حَتيفٌ كافرٌ
۸۶. سُدَى عَبَثٌ
۸۷. حاوَلٌ سَعَى



٩. اِنتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُرَادِ فِي الْمُتَضَادِّ:

- | | | |
|--|--|--|
| <input type="checkbox"/> (الف) خِدَاع | <input type="checkbox"/> (ب) صَيْد | ٨٨. الْمُتَرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «فَرِيَسَةٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) صِحَّة | <input type="checkbox"/> (ب) حَظ | ٨٩. الْمُتَرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «عَافِيَةٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) عِنَايَةٌ | <input type="checkbox"/> (ب) بَعَثَ | ٩٠. الْمُتَرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «إِهْتِمَامٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) مَحْزُونٌ | <input type="checkbox"/> (ب) حُزْنٌ | ٩١. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «إِنْسِرَاحٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) عَلَّقَ | <input type="checkbox"/> (ب) أَعْطَى | ٩٢. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «حَدُّهُ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) مُتَمَاطِلٌ | <input type="checkbox"/> (ب) بُنْيَانٌ | ٩٣. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «تَارِكٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) وَكُنَّةٌ | <input type="checkbox"/> (ب) عُصْنٌ | ٩٤. الْمُتَرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «عُشٌّ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) حَدَّثَ | <input type="checkbox"/> (ب) بَحَثَ عَنِ | ٩٥. الْمُتَرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «فَتَّشَ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) نَقَضَ | <input type="checkbox"/> (ب) قَلَّلَ | ٩٦. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «إِزَادَةٌ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) حَسِبَ | <input type="checkbox"/> (ب) صَرَخَ | ٩٧. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «هَمَسَ»: |
| <input type="checkbox"/> (الف) سُلُوكٌ | <input type="checkbox"/> (ب) شَعَائِرٌ | ٩٨. الْمُتَرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «مَنَاسِكٌ»: |

(٢١ سؤال)

١٠. تَرْجِمَةُ تَكْنِيكِي لُغَاتٍ

مشاوره: این قسمت یک بخش ترکیبی و فنی است و در جاهای مختلف می تواند از آن سؤال طرح شود؛ مثل ترجمه واژه یا سوالات دوگزینه ای ترجمه و ... پس روی آن تمرکز ویژه کنید و خودتان را بسنجید. توجه داشته باشید که این سوالات فقط با حفظ لغت قابل حل نیستند، بلکه باید مراقب تکنیک های قواعدی و ترجمه ای نیز باشید. توصیه می کنیم حتماً تمام جمله را بخوانید و زود گزینه ای را انتخاب نکنید.

١٠. اِنتِخِبِ الْجَوَابَ حَسَبَ تَرْجَمَةِ الْمَفْرَدَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- | | | |
|---|--|--|
| <input type="checkbox"/> (الف) همه چیزها | <input type="checkbox"/> (ب) هر چیزی | ٩٩. قَالَ: أَسْمَعُ كُلَّ شَيْءٍ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) به دست آورده نمی شود | <input type="checkbox"/> (ب) به دست نمی آورد | ١٠٠. غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) نبودند | <input type="checkbox"/> (ب) نداشتند | ١٠١. لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ النَّاسِ دِينٌ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) بودند | <input type="checkbox"/> (ب) باشید | ١٠٢. كَوْنُوا نُقَادَ الْكَلَامِ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) می دانم | <input type="checkbox"/> (ب) دانانترم | ١٠٣. قَالَ: أَعْلِمُ كُلَّ شَيْءٍ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) آن بت ها | <input type="checkbox"/> (ب) آن ها بت هایی هستند | ١٠٤. تِلْكَ أَصْنَامٌ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) تنها | <input type="checkbox"/> (ب) به راستی | ١٠٥. إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمَّمٌ وَلِأَبْ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) این پیامبران | <input type="checkbox"/> (ب) این ها پیامبر هستند | ١٠٦. هُوَلَاءِ الْأَنْبِيَاءِ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) برسید | <input type="checkbox"/> (ب) پرسیده شد | ١٠٧. سُئِلَ الظَّالِمُ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) آفریدند | <input type="checkbox"/> (ب) آفریده شدند | ١٠٨. خُلِقْنَ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) نخوران | <input type="checkbox"/> (ب) غذا نمی دهی | ١٠٩. لَا تُطْعِمُ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) بی نیاز | <input type="checkbox"/> (ب) بی نیازکننده تر | ١١٠. الْأَغْنَى: |
| <input type="checkbox"/> (الف) گردشگران | <input type="checkbox"/> (ب) بسیار گردشگر | ١١١. سُبْحَانَ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) می فرستم | <input type="checkbox"/> (ب) فرستاد | ١١٢. أَرْسَلُ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) گفت | <input type="checkbox"/> (ب) گفته شد | ١١٣. قِيلَ: |
| <input type="checkbox"/> (الف) آرزو داشت | <input type="checkbox"/> (ب) آرزو داری | ١١٤. تَمَنَّى: |
| <input type="checkbox"/> (الف) جوجه اش | <input type="checkbox"/> (ب) جوجه هایش | ١١٥. فَرَّخِيهَ: |

۱۱۶. خُذُوا: الف) گرفتند ب) بگیرید
۱۱۷. عَلَّمْنَا: الف) یاد دادیم ب) به ما یاد داد
۱۱۸. لَا تُحْمِلُونِي: الف) بر من تحمیل نکنید ب) بر من تحمیل نمی‌کنید
۱۱۹. لَا تُضِيعْ: الف) تباه نکن ب) تباه نمی‌کنی

(۲۴ سؤال)

شناخت کلمه غریبه (نامرتب)

مشاوره: هر ساله یک سؤال (یعنی ۰/۲۵) به این موضوع اختصاص دارد و در دو دسته کلی قرار می‌گیرد:

۱) پیدا کردن کلمه نامرتب از نظر معنایی (که معمولاً این گونه است) ۲) پیدا کردن کلمه نامرتب از نظر قواعدی

۱۱ عین الکلمة الغریبة:

الف عین الکلمة الغریبة حسب الترجمة:

۱۲۰. اللحم - العظم - الذئب - الدم:

۱۲۱. الأعصاب - الأسنان - العظام - الأعین - الرجال:

۱۲۲. الفم - السُجُن - اللسان - الأسنان:

۱۲۳. حَدَثٌ - كَلِمَةٌ - قَالٌ - مَقَالٌ:

۱۲۴. الجذع - العُصن - الورقة - سَوَى:

۱۲۵. الخفيف - الإهتمام - المُوَخَد - المُتشدِّين:

۱۲۶. الحزب - البسمة - الجهاد - القتال:

۱۲۷. الأسبوع - الشهر - السنة - العيد:

۱۲۸. الرأس - الظین - الرجل - اليد:

۱۲۹. الفضة - الطينة - الذهب - النحاس:

ب عین الکلمة الغریبة حسب القواعد مع بيان السبب:

۱۳۰. لکن - أن - لعل - كأن:

۱۳۱. أحب - أعلى - أرزق - كبري:

۱۳۲. لا تُجاهد - لا تعلموا - لا يغفر - لا يتهاوسون:

۱۳۳. ثابت - شاب - طاقة - ذائقة:

۱۳۴. أشد - أتقى - أحسن - أفلاً:

۱۳۵. بسمات - سنوات - أوقات - نافعات:

۱۳۶. نُقَاد - أحياء - فريق - أطعمة:

۱۳۷. قیل - يُذکر - حَزَق - أَضلیح:

۱۳۸. معبود - مُسلم - مکسور - مُفتَرَس:

۱۳۹. آلهة - الحادثة - السعادة - الحسنة:

۱۴۰. حسنی - أخضر - أجمل - أخرى:

۱۴۱. أشرف - أخصر - أكره - أحق:

۱۴۲. لعل - إنما - لكن - ليت:

۱۴۳. النقوش - الرسوم - الكتابات - الأقوام:

(دی ۱۴۰۱)

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

(خرداد ۹۸)

(پُر تکرار (دی ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۱)

بیان السبب:

الجواب:

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

بیان السبب:

الجواب:

(شهریور ۱۴۰۰)



(۲۶ سؤال)

تعریف واژه به عربی، انتخاب کلمه مناسب برای کامل کردن جمله

مشاوره: حداقل نیم نمره (گاهی چنین است) تا یک نمره (غالباً این گونه است) از تعریف واژه به عربی یا پر کردن جای خالی با کلمه مناسب سؤال داریم، پس عملاً یک نمره دیگر نیز در امتحان نهایی از لغت داریم، ولی معنای لغت نیست و تعریف لغت به عربی است. حواستان باشد که لزوماً این سؤالات همان تعاریف کتاب درسی نیست، بلکه در بسیاری از اوقات لغتی که در کتاب تعریف نشده ولی معنای آن آمده در امتحان می‌آید. مثلاً در کتاب کلمه «الشدی: پوچ، بیهوده» آمده، ولی به عربی تعریف نشده (ما یكون بلا فائدة؛ آنچه بی‌فایده است)، ولی طراح آن را با کلماتی که خوانده‌اید برایتان تعریف می‌کند؛ پس هنگ نکنید. ضمناً روی اطلاعات عمومی کتاب درسی مسلط باشید که بسیار مورد سؤال هستند. مثلاً در کتاب اشاره شده که برگ زیتون نماد صلح است و در امتحان نهایی گفته می‌شود که چه چیزی نماد صلح است؟ پس این یک نمره در رسیدن شما به ۲۰ بسیار استراتژیک و مهم است.

۱۲) اكمل الفراغات بكلمة مناسبة من بين القوسين (كلمتان زائدتان):

(العظم - شدی - المتهامسون - الخنيف - التهامس - اليد)

۱۴۴. الذين بدؤوا يتكلمون بكلام خفي. ()

۱۴۵. قسم قوي من الجسم عليه لحم. ()

۱۴۶. لا يترك الله الإنسان .

۱۴۷. يترك الباطل ويرغب في الدين الحق.

(الفاأس - البسمة - المفترس - النحاس - الفريسة - انشراح)

۱۴۸. عنصر فلزي كالحديد. ()

۱۴۹. ضحك خفيف بلا صوت. ()

۱۵۰. حيوان يصيد الحيوانات الأخرى. ()

۱۵۱. آلة ذات يد من الخشب و سن عريضة من الحديد. ()

(المغصية - العظم - الصدر - الدم - الأراذل - المغفرة)

۱۵۲. يخرى في اللحم .

۱۵۳. لن ينصر المؤمن .

۱۵۴. يارب، إملأ انشراحاً.

۱۵۵. ليتني أتبع من في الحياة.

(المعين - أعان - الكتف - المجيب - الإنقاذ - الرأس)

۱۵۶. هو الذي يأخذ يد الآخرين دائماً. ()

۱۵۷. عضو من أعضاء الجسم يقع أعلى الجذع و هو إنان. ()

۱۵۸. ساعد و نصر. ()

۱۵۹. هو الذي يتقبل الدعاء و هو من أسماء الله الحسنى.

(القرابين - الصنم - الظين - المعين - الفريسة - الإعانة)

۱۶۰. تمثال من حجر أو خشب أو حديد يُعبد من دون الله.

۱۶۱. تراب مختلط بالماء.

۱۶۲. الحيوانات التي تُقتل في أحد أعياد المسلمين. ()

۱۶۳. من يساعد الناس. ()

(الحديد - النقوش - أنار - الخنيف - الدم - الظين - الإعانة - اللحم)

۱۶۴. جعل فيه نوراً. ()

۱۶۵. خلق الإنسان الأول منه. ()

۱۶۶. أشكال على جدار الأماكن و الأجسام التاريخية. ()

۱۶۷. عنصر فلزي يُستخدم في البناء. ()

۱۶۸. تارك للباطل و متمایل إلى الدين الحق.

۱۶۹. مساعده الآخرين. ()

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۱۴۰۰ انسانی)

(دی ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(سؤال ۱۲)

صحیح و خطا بر اساس واقعیت و کتاب درسی

مشاوره: به طور کلی این قسمت زیرمجموعه بخش قبلی و مکمل آن است. شما در درجه اول باید بر اطلاعات عمومی مطرح شده در کتاب درسی مسلط شوید مثلاً در کتاب گفته شده که انسان‌ها نسبت به یکدیگر برتری ندارند و همگی از یک پدر و مادر خلق شده‌اند و سپس سراغ اطلاعات خودتان بروید.

۱۲ عین الخطأ و الصَّحیح حسب الحقیقة أو الواقع (X ✓):

۱۷۰. الخِدَاعُ مِنَ الْأَعْمَالِ الْقِيَمَةُ عِنْدَ النَّاسِ. (—)

۱۷۱. اللَّحْمُ قِسْمٌ مِنَ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْعَظْمِ. (—)

۱۷۲. التَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ. (—)

۱۷۳. كُلُّ الْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ فِي الْحَيَاةِ مَفْسَدَةٌ لِلْمَرْءِ. (—)

۱۷۴. لِنَسْمَعُ كَلَامَ الْحَقِّ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ لِأَهْلِ الْبَاطِلِ. (—)

۱۷۵. الصَّنَمُ تِمَثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (—)

۱۷۶. نَسْتَفِيدُ مِنْ حَرْفِ «لَيْتَ» لِتَمَنِّي فِي قَوْلِنَا. (—)

۱۷۷. الصَّنَمُ تِمَثَالٌ مِنْ حَدِيدٍ أَوْ خَشَبٍ كَانَ بَعْضُ النَّاسِ يَعْبُدُونَهُ. (—)

۱۷۸. الْعَضْبُ صِرَاعٌ بَيْنَ النَّاسِ. (—)

۱۷۹. إِنَّمَا الْفَخْرُ لِحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ. (—)

۱۸۰. عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. (—)

۱۸۱. لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (—)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

ترجمه جملات (سؤال ۱۲۳)

(سؤال ۶۲)

جملات کتاب درسی

مشاوره: پربارترین قسمت در امتحان نهایی، ترجمه جمله است که بین ۷ تا ۸ نمره را به خود اختصاص می‌دهد و معمولاً ۱۱ تا ۱۲ جمله می‌دهند که آن‌ها را ترجمه کنید. همیشه دو - سه عبارت اول، از آیات و احادیث کتاب است و حدوداً ۱۰ جمله از سایر بخش‌های کتاب شامل متن درس، تمرین، آغلموا و... طرح می‌شود. حواستان باشد که در امتحان نهایی به ندرت جمله‌ای می‌بینید که تغییر نکرده باشد، پس طراح سؤال غالباً عبارات کتاب را از جهات مختلف عوض می‌کند، گاه روی فعل و زمان‌های مختلف مانور می‌دهد، گاهی روی ساختارها (مثلاً «لا» نفی جنس)، گاه یک عبارت را کمی عوض می‌کند و گاهی با لغات کتاب، یک جمله کاملاً جدید می‌سازد؛ پس در این قسمت به شدت و با تمام قوا، دقت و تمرکز کنید، چون غالب بچه‌ها در آن نمره از دست می‌دهند. ما در این قسمت برای تسلط بهتر شما عباراتی را که عیناً در کتاب آمده‌اند یا تغییر جزئی داشته‌اند، در یک بخش آورده‌ایم و در بخش بعدی جملات ترکیبی و جدید را قرار داده‌ایم تا کاملاً روی ترجمه مسلط شوید که نبض امتحان نهایی است. حواستان باشد که باید در ترجمه جملات، کلیه تکنیک‌ها و فوت‌وفن‌های ترجمه را به کار بگیرید؛ از زمان‌ها گرفته تا دقت به ترجمه اسم مفرد و جمع و ضمائر، از ترجمه حروف مشابهه تا «لا» نفی جنس و از ترجمه مجهول تا فعل‌ها و لغات خاص.

۱۴ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ:

۱۸۲. يَجْعَلُ اللَّهُ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَ نَصِيْبِي فِي الْحَيَاةِ.

۱۸۳. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

۱۸۴. كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

۱۸۵. يَا هَيْهَاتُ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلِّ الْجِهَاتِ.

۱۸۶. اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيدًا وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ.

۱۸۷. هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ.

۱۸۸. «رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا...»

۱۸۹. «أَقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

پُرْتَكَرَار (شهریور دی ۱۴۰۰ انسانی)

پُرْتَكَرَار (شهریور ۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۰)



پُرْتِكْرَار (دی ۱۴۰۲ انسانی، خرداد ۹۹)

(شهریور ۹۸)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۲)

پُرْتِكْرَار (خرداد ۹۸ انسانی، خرداد ۹۸)

پُرْتِكْرَار (شهریور ۱۴۰۱ و دی ۱۴۰۲ انسانی)

پُرْتِكْرَار (دی ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۹۹ انسانی)

پُرْتِكْرَار (خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی دهم)

(شهریور ۱۴۰۲)

پُرْتِكْرَار (شهریور و خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۹۸)

(دی ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۰)

پُرْتِكْرَار (شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۱)

(شهریور ۹۹)

پُرْتِكْرَار (شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۹۸)

پُرْتِكْرَار (خرداد و شهریور ۹۸، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۳)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای دهم)

پُرْتِكْرَار (دی ۹۸ و ۹۹ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۹۰. عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ العَدُوِّ يَطِيرُ بَعْتَةً.

۱۹۱. ﴿وَيَقُولُ الكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾

۱۹۲. وَأَيُّ عَقْلِي وَ قَلْبِي / بِالْعُلُومِ النَافِعَاتِ

۱۹۳. لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ العَافِيَةِ.

۱۹۴. خُذُوا الحَقَّ مِنْ أَهْلِ البَاطِلِ وَ كُونُوا نِقَادَ الكَلَامِ فِي حَيَاتِكُمْ.

۱۹۵. بَدَأَ القَوْمُ يَنْتَهَمِسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانِنَا».

۱۹۶. لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمُ المَكْسَرَةَ، أَحْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) لِلْمُحَاكِمَةِ.

۱۹۷. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾

۱۹۸. لَا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ العَفْوِ عِنْدَ القُدْرَةِ.

۱۹۹. يَا إِلَهِي! احْمِنِي وَ احْمِ بِلَادِي مِنْ سُرُورِ الحَادِثَاتِ.

۲۰۰. كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لِأَثَرِكِ.

۲۰۱. يَنْظَاهِرُ الظَّائِرُ أَمَامَ الحَيَوَانِ المُفْتَرِسِ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

۲۰۲. كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ.

۲۰۳. ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾

۲۰۴. إِنْ تَسَبَّوْا النَّاسَ تَكْتَسِبُوا العِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ.

۲۰۵. ﴿أُحْسِبُ الإِنْسَانَ أَنْ يُتْرَكَ سُذْيً﴾

۲۰۶. لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.

۲۰۷. الكِتَابَاتُ وَ الثَّقُوسُ تُدَلُّ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فَطْرِيٌّ فِي وُجُودِ الإِنْسَانِ.

۲۰۸. ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾

۲۰۹. لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الفِعْلِ.

۲۱۰. إِنْ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

۲۱۱. وَ قَدْ حَدَّثَنَا القُرْآنُ الكَرِيمُ عَنِ سِيرَةِ الأنْبِيَاءِ.

۲۱۲. أَيُّهَا الفَاجِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمَّ وَ لِأَبٍ

۲۱۳. أَرْجُو مِنَ اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ التَّوْفِيقَ نَصِيبِي فِي الحَيَاةِ.

۲۱۴. ثُمَّ عَلَّقَ الفَاسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ المَعْبِدَ.

۲۱۵. ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾

۲۱۶. لَا تُطْعِمُوا المَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۲۱۷. ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

۲۱۸. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾

۲۱۹. الإِسْلَامُ يَهْتَمُّ بِعَمَلٍ لَا يَضُرُّ النَّاسَ.

۲۲۰. ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

۲۲۱. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

۲۲۲. نَحْنُ خُلِقْنَا مِنْ طِينَةٍ فَلَا نَفْتَخِرُ بِنَسَبِنَا.

۲۲۳. لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الكَذِبِ.

۲۲۴. حِينَ يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا يَنْظَاهِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

۲۲۵. أَحْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) فَحَدَفُوهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

پُر تکرار (خرداد و دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۱)

پُر تکرار (شهریور ۹۸ و خرداد ۱۴۰۱)

(خرداد ۹۹)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

پُر تکرار (دی ۹۹ و دی ۱۴۰۰ انسانی)

پُر تکرار (شهریور و دی ۹۹، خرداد و شهریور ۱۴۰۲)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۹۸ انسانی)

۲۲۶. ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾

۲۲۷. لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

۲۲۸. زِدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

۲۲۹. لَا فُقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

۲۳۰. حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۲۳۱. يَرَى الظَّائِرُ الذَّكِيَّ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قَرَبَ عُشِّهِ.

۲۳۲. حَذُوا الْحَقُّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.

۲۳۳. يَا إِلَهِي! اِفْلَأِ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا وَفَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.

۲۳۴. ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾

۲۳۵. يَا إِلَهِي اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَنَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ.

۲۳۶. ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعَثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

۲۳۷. عِنْدَمَا سَأَلَتْ الْمُدِيرَ عَنْ حُضُورِ الطُّلَابِ فِي الْمَدْرَسَةِ أَجَابَنِي: لَا طَالِبَ هُنَا.

۲۳۸. رَبُّنَا يَجْعَلُ أَيَّامَنَا كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ وَيَحْمِي بِلَادَنَا مِنَ الشُّرُورِ.

۲۳۹. الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

۲۴۰. لَا تَفْتَحْزِ بِنَسَبِكَ جَهْلًا لِأَنَّ جَمِيعَنَا خُلِقْنَا مِنْ أَبِي وَأُمِّ وَاجِدَةٍ.

۲۴۱. فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَحِيدًا.

۲۴۲. الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

۲۴۳. ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾

(۵۵ سوال)

جملات ترکیبی و جدید



مشاوره: به جز آیات و احادیث کتاب که همواره بی تغییرند، سایر جملات را می توان عوض کرد، سپس جملات جدید و ترکیبی یا برگرفته از کتاب درسی هستند، یعنی عبارات کتاب را تغییر داده ایم و آن جمله شما را یاد قسمتی از کتاب درسی می اندازد و **با کلاً جدید هستند** و با کلمات درس، جمله ای جدید ساخته ایم، یعنی چنین جمله ای را قبلاً ندیدید و فقط لغات آن برای شما آشنا است؛ در این حالت خیلی مراقب باشید که تمام نکات و تکنیک ها را رعایت کنید، پس اصلاً عجله نکنید و با حوصله جمله را بررسی و ترجمه نمایید، چون در معرض از دست دادن نمره هستید.

۲۴۴. لَا طَرِيقَةَ لَكُمْ لِلْعِبَادَةِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ التَّدِينُ فِطْرِيٌّ.

۲۴۵. لِئِنْقَاتِلَ تُجَارَ الْمَوْتِ لِأَنَّهُمْ يُحْمَلُونَ الْعَمَالَ مَا لَا يُنْتَفِعُونَ بِهِ.

۲۴۶. عِنْدَمَا رَأَى الظَّائِرُ جَنَاحَهُ الْمَكْسُورَ تَأَكَّدَ أَنَّهُ لَا يُنْقِذُ إِلَّا بِالظَّيْرَانِ.

۲۴۷. لَا دِينَ لِلْكَذَّابِ وَلَكِنَّهُ يَخْدَعُكَ أَنَّهُ الْمُهِتَمُّ بِهِ. ۲۲

۲۴۸. كَانَ الْحَنِيفُ يَعْبُدُ اللَّهَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّمَا الصِّدِيقُ الْحَقِيقِيُّ هُوَ اللَّهُ. ۲۲

۲۴۹. الرَّسُومُ الْقَدِيمَةُ تَدُلُّ عَلَى الْإِهْتِمَامِ بِالذِّينِ. ۲۲

۲۵۰. لَعَلَّ الْبُنْيَانَ مَصْنُوعٌ مِنَ الْحَدِيدِ. ۲۲

۲۵۱. لَا يَرْحَمُكَ مَنْ لَا تَرْحَمُهُ. ۲۲

۲۵۲. إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ يُشَاهِدُ وَلَا يَتَكَلَّمُ. ۲۲

۲۵۳. يَجْعَلُ اللَّهُ التَّوْفِيقَ حَظَّنَا وَ نَصِيبَنَا فِي الْحَيَاةِ وَ يُعِينُنَا فِي آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ.

۲۵۴. لَيْتَ النَّاسَ يَفْتَحِرُونَ بِحَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ.

۲۵۵. النَّاسُ لَمْ يُخْلَقُوا مِنْ ذَهَبٍ بَلْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ.

۲۵۶. أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ أَنَّهُ لَا يَتْرُكُ الْإِنْسَانَ سُدىً.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شبه نهایی فارس ۱۴۰۳)

(شبه نهایی فارس ۱۴۰۳)



٢٥٧. الآثَارُ الْقَدِيمَةُ قَدْ تَدُلُّ الْإِنْسَانَ عَلَى اِكْتِشَافِ حَضَارَتِهِ.
٢٥٨. لِنَعْقَلُ عَنْ شَعَائِرِ الدِّينِ الْخُرَافِيَّةِ لِتَجَنُّبِ مِنْ سُورِهَا.
٢٥٩. لَيْتَ النَّاسَ كَانُوا نُقَادَ كَلَامِهِمْ.
٢٦٠. قَدْ عُرِفَتِ الْحَضَارَاتُ لَنَا مِنْ جِلَالِ الْآثَارِ الْمُكْتَشَفَةِ.
٢٦١. هَذَا الْحَيَوَانُ مُفْتَرَسٌ وَلَا فِرَازَ لِلْفَرِيْسَةِ مِنْ خِدَاعِهِ.
٢٦٢. لَا غَايَةَ أَجْمَلَ مِنَ السَّلَامِ بَيْنَ الْعِبَادِ.
٢٦٣. لِمَ كُنْتُمْ لَا تُخَضِرُونَ الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ لِلْمَحَاكِمَةِ؟
٢٦٤. لَا قِيَمَةَ لِعِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.
٢٦٥. إِذَا تَجَنَّبْنَا مِنَ التَّكْبِيرِ أَنْزَلَ اللَّهُ قُلُوبَنَا.
٢٦٦. لَا شَيْءَ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ لِلْمُؤْمِنِ فَخُذُوهُ وَإِنْ كَانَ عِنْدَ أَهْلِ الْبَاطِلِ.
٢٦٧. لَمْ يُعَلِّقْ إِبْرَاهِيمُ (ع) فَاسَهُ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرَ الصَّنَمِ.
٢٦٨. لَا ثَرَوَةً كَتَوَاضَعُ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ.
٢٦٩. تَعَلَّمْنَا أَنْ تَعَدَّدَ الْأَلِهَةِ فِي الْأَدْيَانِ قَدْ إِزْدَادَ عَلَى مَرِّ الْعَصُورِ.
٢٧٠. كَانَتْ جَمِيعُ الْأَصْنَامِ تُكْتَسَرُ بِفَاسِ إِبْرَاهِيمَ (ع).
٢٧١. الطَّائِرُ يَخْمِي فِرَاحَهُ أَمَامَ خِدَاعِ حَيَوَانٍ يَكُونُ قُرْبَهَا.
٢٧٢. لَا نَفْعَ لِمُجَالَسَةِ الْجُهَالِ.
٢٧٣. لَمَّا جَاءَ الْأَطْفَالُ بِالْأَخْشَابِ قَدْ فَوَّهَا فِي النَّارِ.
٢٧٤. دَلِيلُ السَّفَرَةِ مَا جَاءَ إِلَى قَاعَةِ الْمَطَارِ وَكَانَ الشُّيَاحُ يَنْتَظِرُونَهُ.
٢٧٥. لَا عَمَلَ أَحْسَنُ مِنَ الصَّدَاقَةِ.
٢٧٦. الْكَافِرُونَ كَانُوا يَطْتُونُ أَنْ يُحَرِّقَ إِبْرَاهِيمَ (ع) فِي النَّارِ.
٢٧٧. كَانَ اللَّهُ قَدْ أَرْسَلَ أَنْبِيَاءَهُ إِلَى الْإِنْسَانِ لِيُبَيِّنُوا صِرَاطَ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ.
٢٧٨. لَا غَايَةَ لِمَنْ يَعِيشُ سُدَى.
٢٧٩. عَلَيْنَا الْأَنْحَمَلُ مَشَاكِلَنَا عَلَى الْآخِرِينَ.
٢٨٠. إِنْ نُحَدِّثِ النَّاسَ عَنْ أَخْلَاقِ الْكِبَارِ الْحَسَنَةِ سَيَتَعَلَّمُونَ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ مِنْ سُلُوكِهِمْ.
٢٨١. لَا إِشْرَاحَ لِلْمَحْزُونِ فِي قَلْبِهِ.
٢٨٢. يَا مَجِيبَ الدَّعَوَاتِ، أُنِرْ عَيْنِي بِنُورِ الْعِلْمِ.
٢٨٣. كَانَ النَّاسُ يُقَدِّمُونَ كُلَّ قُرْبَانٍ بِسَبَبِ خُرَافَاتِهِمْ الدِّينِيَّةِ.
٢٨٤. قَدْ يَخْسَبُ الْعِبَادُ أَنَّ اللَّهَ يَنْتَرِكُهُمْ.
٢٨٥. مَنْ يَسِبِ الْكُفَّارَ وَيَحْزَنُهُمْ فَسَيَسْتَوِ رَبَّهُ.
٢٨٦. لَا خَيْرَ فِي السَّكُوتِ أَمَامَ الظُّلْمِ.
٢٨٧. لَيْتَ اللَّهُ يَمَلَأُ صَدْرِي إِشْرَاحًا وَسَلَامًا.
٢٨٨. قَدْ حَاوَلَتِ الْفَرِيْسَةُ لِتُنْقِذَ حَيَاةَ فِرَاحِهَا.
٢٨٩. مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ طِينَةَ أَسَاسِ خَلْقَتِهِ؟
٢٩٠. لِمَ تَسْأَلُونَنِي عَنْ شَرِّ سَبِيلٍ لِكَسْبِ رِضَا إِلَهْتِي.
٢٩١. قَدْ تَحَمَّلْنِي أُمِّي مَسْئُولِيَّةَ لَا طَاقَةَ لِي بِهَا.
٢٩٢. سَوْفَ نَحْمِي مَنْ يُرِيدُونَ أَنْ يُنِيرُوا الْأَرْضَ بِالْعِلْمِ.

۲۹۳. لِيَعْلَمَ النَّاسُ قَدْرَ عَافِيَتِهِمْ، لَأَشِيءَ خَيْرًا مِنَ الْعَافِيَةِ.
 ۲۹۴. قَلْبِي الْمَكْسُورُ قَدْ تَأَكَّدَ أَنَّ الْحَيَاةَ خَالِيَةٌ مِنَ السَّلَامِ.
 ۲۹۵. النَّاسُ لَا يَسْتَبِقُوا الْآخِرِينَ لِأَنَّ الْمَفْسَدَةَ سَوْفَ تُضَيِّعُهُمْ.
 ۲۹۶. أَسْأَلُ التَّرَامِجَ لِلْأَطْفَالِ مَا لَا يُعِيثُهُمْ فِي آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ.
 ۲۹۷. لَا تَنْظُنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ مُكَسَّرُ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ.
 ۲۹۸. إِنَّمَا إِبْرَاهِيمُ (ع) كَانَ قَدْ قَصَدَ هِدَايَةَ قَوْمِهِ.

(۳۱ سؤال)

انتخاب ترجمه درست



مشاوره: معمولاً نیم نمره (۵/۱۰)، یعنی دو سؤال از این مدل داریم و نکته جالب توجه و حساس آن است که این سوالات معمولاً فنی هستند و با یک نکته ترجمه‌ای و فوت‌وفن قابل‌حل‌اند؛ بنابراین بر اساس قضاوت ذهنی خود و اطلاعات قبلی حرکت نکنید و ببینید با چه جمله‌ای طرف هستید؟ عوض شده یا نه؟ تکنیکش چیست؟ پس باز هم توصیه می‌کنیم که حوصله به خرج دهید و **حتماً دو گزینه را بخوانید** و در انتخاب عجله نکنید، چراکه این مدل به‌طور کلی فنی و حساس است و از انواع نکات (زمان‌ها، ساختارها و ...) و ریزه‌کاری‌ها در آن استفاده می‌شود.

۱۵. اِنْتَجِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:

۲۹۹. «لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ»:

- الف) به مردم دشنام ندهید، زیرا دشمنی را میان آن‌ها به دست می‌آورید.
 ب) به مردم دشنام نمی‌دهید، زیرا دشمنی را میانشان به دست می‌آورید.

۳۰۰. «مَا قُلْتُ كَلِمَةً: لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ»:

 الف) کلمه‌ای نگفتم زیرا چیزی درباره موضوع نمی‌دانستم.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی، یازدهم)

 ب) کلمه‌ای نمی‌گویم برای اینکه چیزی درباره موضوع نمی‌دانم.

۳۰۱. «الْفَلَاحُونَ لَنْ يَجْمَعُوا مَحَاصِلَهُمْ»:

- الف) جمع نکردند ب) جمع نخواهند کرد
 ج) جمع نمی‌کنند

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۳۰۲. «أَخْوَاتِي لَمْ يَأْكُلْنَ الطَّعَامَ فِي الْمَطْعَمِ»:

- الف) نخوردند ب) نمی‌خورند
 ج) نخواهند خورد

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۳۰۳. «وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ الْامْتِحَانُ»:

- الف) که به تأخیر اندازد. ب) باید به تأخیر بیندازد
 ج) به تأخیر خواهد انداخت

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

۳۰۴. «لَنْ تُوَاجِهَ الْمَشَاكِلَ»:

- الف) روبه‌رو نمی‌شوی ب) روبه‌رو نخواهی شد
 ج) تا روبه‌رو نشوی

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

۳۰۵. «لِنَسْتَمِعَ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ»:

- الف) باید گوش دهیم ب) تا گوش بدهیم
 ج) گوش خواهیم داد

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

۳۰۶. «أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ»:

- الف) نمی‌دانستند ب) نمی‌دانند
 ج) ندانسته‌اند

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

۳۰۷. «قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»:

- الف) گفتند هیچ دانشی نداریم بی‌گمان تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.
 ب) بگویند هیچ دانشی برای ما نیست بی‌گمان تو دانا به نهان‌ها هستی.

پُرْتَكَر (خرداد ۹۸ و دی ۹۹ انسانی)

۳۰۸. «... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...»:

- الف) جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم.
 ب) هیچ دانشی جز آنچه آموخته بودیم، نداشتیم.

(شهریور ۱۴۰۲)

۳۰۹. «فَيَتَّبِعُ الْخِيَوَانَ الْمُفْتَرِشَ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَيَتَّبِعُ عَنِ الْعُشِّ كَثِيرًا»:

- الف) و حیوان درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار دور می‌شود.
 ب) پس حیوان درنده شکار را تعقیب کرده و از لانه‌اش بسیار دور می‌شود.



۳۱۰. لَمْ يَحْضُرِ الْمُعَلِّمُ فِي الصَّفِّ الْيَوْمَ كَأَنَّهُ مَرِيضٌ:

- الف) معلّم در کلاس، امروز حضور نیافت، چون که بیمار شده است.
- ب) آموزگار، امروز در کلاس حاضر نشد، گویی او بیمار است.

(خرداد ۹۹ انسانی)

۳۱۱. إِزْدَادَ عَدَدُ الْبُومَاتِ فِي الْمَرْزَعَةِ:

- الف) تعداد جغدها در مزرعه زیاد شدند.
- ب) تعداد جغدها را در مزرعه زیاد کرد.

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۳۱۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...:

- الف) ای مردم! پروردگارتان را بپرستید که شما را آفرید.
- ب) مردم، پروردگار خودتان که شما را می آفریند، عبادت کنید.

پُرْتِكْرَار (دی ۹۸، شهریور ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲)

۳۱۳. لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا:

- الف) گفتارشان نباید تو را غمگین کند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.
- ب) گفتارشان تو را غمگین نمی کند، زیرا ارجمندی برای خداست.

(خرداد ۹۸ انسانی)

۳۱۴. يَمْلَأُ اللَّهُ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا فِي كُلِّ الْجِهَاتِ:

- الف) خدایا دنیا را از آشتی گسترده و همه جانبه پر کن.
- ب) خداوند دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت ها پر می کند.

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

۳۱۵. لَمْ يَقْبَلْ هَذَا الْوَالِدُ بِنْتَهُ:

- الف) این پدر، دختر خود را نمی بوسد.
- ب) این پدر، دخترش را نبوسید.

۳۱۶. لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَسْنَانَهُمْ مُكَسَّرَةً فَجَاءَهُ:

- الف) هنگامی که مردم برگشتند ناگهان بت هایشان را شکسته دیدند.
- ب) وقتی که مردم برگشتند ناگهان بت های شکسته شان را دیدند.

(دی ۹۸ انسانی)

۳۱۷. اللَّهُ غَفَّارُ الدُّنُوبِ وَ عَلَامُ الْغُيُوبِ:

- الف) خداوند بسیار آمرزنده گناهان و بسیار دانای نهان هاست.
- ب) خداوند آمرزنده گناه و داناترین به علم غیب است.

۳۱۸. قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنِ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ:

- الف) [ما] از قرآن کریم درباره سرگذشت پیامبران و مبارزه هایشان با قوم های کافرشان صحبت کرده ایم.
- ب) قرآن کریم با ما درباره سرگذشت پیامبران و مبارزه شان با اقوام کافر خود صحبت کرده است.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۳۱۹. لَا تَجْتَمِعْ خَصْلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْدُ:

- الف) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی شود: بخل و دروغ.
- ب) دو ویژگی در مؤمن نباید جمع شود: بخل و دروغ گفتن.

(خرداد ۹۸)

۳۲۰. لَا فِرَازَ مِنْهُ: لِأَنَّهُ قَسِمٌ مِنْ حَيَاتِهَا:

- الف) هیچ گریزی از آن نیست، زیرا بخشی از زندگی اش است.
- ب) او راه فراری ندارد، زیرا آن قسمتی از زندگی است.

(دی ۱۴۰۲ انسانی)

۳۲۱. لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا:

- الف) گفتارشان تو را اندوهگین نکند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.
- ب) گفتار آن ها تو را ناراحت نمی کند، همه ارجمندی ها از آن خداست.

(شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم)

۳۲۲. الظَّلَابُ كَانُوا يَكْتُبُونَ دُرُوسَهُمْ بِدَقَّةٍ:

- الف) دانش آموزان تمرین هایشان را با دقت نوشته بودند.
- ب) دانش آموزان تمرین هایشان را با دقت می نوشتند.

(خرداد ۹۹)

۳۲۳. إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ:

- الف) این خرافات در دین مردم در زمان های مختلف زیاد می شود.
- ب) این خرافات در دین های مردم در گذر زمان افزایش یافت.

(دی ۹۹)

۳۲۴. عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّالِمُ مِنَ خِدَاعِ العَدُوِّ وَ انْقَادِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ:

- الف) هنگامی که پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.
- ب) هنگامی که پرنده از فریب دشمنان و نجات زندگی جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.

(خرداد ۱۴۰۰)

 الف) جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ بپرسید.

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

پرتکرار (دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۲)

 ب) ای کاش بار دیگر به حج می‌رفتم.

(خرداد ۱۴۰۱)

 ب) بلکه آنان را دیدی که از تکه گلی خلق شده‌اند.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

 ب) انفجار آزمایشگاه اراده صاحبش را ضعیف نمی‌کند.

۳۲۵. «أجاب لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ»:

 الف) جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ بپرسید.

۳۲۶. «إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ»:

 الف) راضی ساختن مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود. ب) راضی شدن مردم هدفی است که به دست نمی‌آورد.

۳۲۷. «يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ إِلَى الْحَجِّ مَرَّةً أُخْرَى»:

 الف) ای کاش یک بار دیگر به حج بروم.

۳۲۸. «بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ»:

 الف) بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند.

۳۲۹. «لَمْ يُضْعِفِ انْفِجَارُ الْمُخْتَبِرِ عِزْمَ صَاحِبِهِ»:

 الف) انفجار آزمایشگاه اراده صاحبش را ضعیف نکرد.

(۲۵ سؤال)

پر کردن جای خالی در ترجمه

مشاوره: به‌طور ثابت یک نمره دارد، یعنی چهار جای خالی را در ترجمه جمله باید پر کنید که هر کدام ۰/۲۵ است. معمولاً این عبارات از خود جملات کتاب درسی هستند و تغییری در آن‌ها صورت نمی‌گیرد، اما خوب بدیهی است که از جملات پرنکته‌ترو فنی‌تر سؤال طرح می‌شود. مثلاً ممکن است جای خالی براساس یک نکته قواعدی مؤثر در ترجمه تکمیل شود. مثل مضارع التزامی ترجمه شدن فعل‌های مضارع بعد از «لیت» و «لقل».

۱۶) أكمل الفراغات بالترجمة المناسبة:

۳۳۰. «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»:

. به‌راستی ما قرآن را به زبان عربی شاید که شما

(شبه‌نهایی ۱۴۰۳)

۳۳۱. «قَالُوا خَرَّقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ»:

. گفتند: او را و خدایان‌تان را

(خرداد ۱۴۰۱)

۳۳۲. «لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ»:

. خداوند به به مردم رحم نمی‌کند.

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۳۳۳. «يَخْمِي جُنُودَنَا الْبِلَادَ مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ»:

. سربازان ما، سرزمین‌ها را از ناگوار

۳۳۴. «لَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ»:

. هیچ گنجی از قناعت

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

۳۳۵. «بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ..... هل سوي لحم و عظم و عصب؟»:

. بلکه آنان را می‌بینی از گلی آیا به جز گوشت و و پی‌اند؟

۳۳۶. «لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ»:

.، زیرا خشم مایه تباهی است.

(دی ۹۹ انسانی)

۳۳۷. «فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»:

. و این روز است ولی شما

(شهریور ۹۸)

۳۳۸. «وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»:

. گفتارشان نباید تو را، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.



پُرتکرار (دی ۹۸ و شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

۳۳۹. ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾:

پروردگارا، آنچه توانش را هیچ بر ما _____ .

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۳۴۰. «قَدْ يَتَّبِعُ الظَّالِمُ مِنْ عَشْبِهِ لِنَفْسِهِ حَيَاةً فِرَاحَهُ ثُمَّ يَطِيرُ بَغْتَةً»:

گاهی پرنده از لانه‌اش دور می‌شود تا زندگی جوجه‌هایش را _____ سپس _____ پرواز می‌کند.

(شهریور ۱۴۰۲)

۳۴۱. «لَا تَطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ»:

از آنچه _____ به نیازمندان _____ .

۳۴۲. «الْخَضَارَاتُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَتَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فَطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ»:

تمدن‌ها به _____ انسان به دین تأکید می‌کنند و بر اینکه آن [دین] در وجود او ذاتی است _____ .

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

۳۴۳. «عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّالِمُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطِيرُ بَغْتَةً فَطِرَانًا سَرِيعًا»:

وقتی پرنده از نیرنگ زدن به دشمن _____ ناگهان _____ پرواز می‌کند.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۳۴۴. «يَتَّبِعُ الْخِيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ وَ يَتَّبِعُ عَنِ الْعَشِّ ائْتِعَادًا كَثِيرًا»:

جانور _____ این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار _____ .

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۳۴۵. «قَدْ مَلَأَ اللَّهُ صَدْرَنَا اَنْشِرَاحًا»:

خداوند _____ ما را از شادمانی _____ .

پُرتکرار (خرداد ۹۸ انسانی، شهریور ۱۴۰۲ و شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ هجری)

۳۴۶. ﴿يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾:

و کافر می‌گوید _____ من _____ بودم.

(خرداد ۹۸)

۳۴۷. «كَأَنَّ اِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ»:

_____ خشنود ساختن همه مردم هدفی است که _____ .

(خرداد ۹۸)

۳۴۸. «وَ اَمَلًا الدُّنْيَا سَلَامًا / شَامِلًا كُلِّ الْجِهَاتِ»:

دنیا را از _____ فراگیر در همه جهت‌ها _____ .

۳۴۹. «لِذَلِكَ اَرْسَلْنَا اِلَيْكُمْ اَنْبِيَاءً فَلْيَتَّبِعُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ لَكُمْ»:

به همین خاطر _____ را به سويتان فرستادیم پس _____ راه راست و دین حق را برایتان _____ .

پُرتکرار (خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)

۳۵۰. «وَ اَمَلًا الصَّدْرَ اَنْشِرَاحًا / وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ»:

و سینه را از _____ و دهانم را با _____ پر کن.

(خرداد ۹۹)

۳۵۱. «تَمَنَّى الْمُزَارِعُ : لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا»:

کشاورز _____ ، _____ باران زیاد ببارد.

۳۵۲. ﴿إِنَّمَا النَّجَاحُ بِالسَّعْيِ وَ لَكِنْ لَيْسَتْ لَكَ مُحَاوَلَةٌ﴾:

موفقیت _____ با تلاش است ولی تو تلاشی _____ .

پُرتکرار (دی ۱۴۰۱ و شهریور ۹۹)

۳۵۳. «حَضَرَ الشُّبَاخُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ»:

گردشگران در سالن _____ حاضر شدند، ولی _____ حاضر نشد.

(شهریور ۹۹)

۳۵۴. «وَ اَعْنَى فِي دَرُوسِي وَ اَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ»:

و _____ را در درس‌هایم و انجام تکالیف _____ .

ترجمه انواع فعل و اسم (سوال ۱۲۵)

(۴۸ سوال)

نوشتن ترجمه درست

مشاوره: یکی از چالش‌های ترین قسمت‌های امتحان، همواره ترجمه انواع فعل است که دو نمره را به خود اختصاص می‌دهد، پس شما باید ۸ فعل را ترجمه کنید؛ در این باره به زمان‌های مختلف مثل انواع ماضی‌ها (ساده، نقلی، بعید، استمراری) انواع مضارع، آینده، مثبت، منفی بودن فعل و... بسیار دقت کنید و همچنین از صیغه فعل‌ها غافل نشوید، چرا که هر مورد ۰/۲۵ دارد، پس اگر زمان را درست بنویسید و صیغه را غلط، هیچ نمره‌ای نمی‌گیرد. توصیه می‌کنیم که حتماً کل جمله را بخوانید و صرفاً روی فعل تمرکز نکنید، زیرا با استفاده از جمله می‌توان به صیغه فعل یا نوع آن پی برد پس حتماً فعل را براساس جمله ترجمه کنید. مثلاً در جمله «اجتمع الزملاء» فعل مامفرد است ولی به خاطر فاعلش که جمع است، به شکل جمع ترجمه می‌شود (هم کلاسی‌ها جمع شدند)، ضمناً در تمارین این قسمت از ترجمه انواع اسم هم سوال داریم، در مواجهه با آن‌ها کافی است نوع اسم را شناسایی کنید که اسم فاعل است یا مفعول و... و براساس نکاتی که قبلاً بررسی کرده‌ایم، اسم مورد نظر را ترجمه کنید. البته در امتحان نهایی ترجمه انواع اسم در یک بخش دیگری آید، ولی ما در اینجا جهت تمرین بیشتر و تثبیت مطالب، از آن‌ها سوال داده‌ایم.

۱۷ ترجم الأفعال و الأسماء:

۳۵۵. سأل (سوال کرد)

الف) أنتم لِمَ تسألونني؟

۳۵۶. اجتهد (تلاش کرد)

الف) الطلاب قد يجتهدون في الصف:

۳۵۷. أكرم (گرامی داشت)

الف) أكرموا الشهداء:

۳۵۸. خرج (خارج شد)

الف) لم يخرج من البيت:

ج) هو قد خرج من المدرسة:

۳۵۹. لعب (بازی کرد)

الف) لا تلعب تلميذة ذكية في الصف:

۳۶۰. تظاهر (و انمود کرد)

الف) لا يتظاهر الصادق بالكذب:

ج) ما تظاهرت بالضعف عند المشاكل:

۳۶۱. كتبت (نوشت)

الف) أيتها الطلاب، اكتبوا واجباتكم:

۳۶۲. شاهد (مشاهده کرد)

الف) لن يشاهد:

ج) شاهدن المناظر الجميلة:

۳۶۳. تقرب (نزدیک شد)

الف) لن يتقرب:

۳۶۴. غفر (آمرزید)

الف) المغفور:

ج) لا يغفر المخطئ:

۳۶۵. حمد (ستود)

الف) الحامد:

(خرداد ۱۴۰۲)

ب) سُئِلَ المدير: أفي المدرسة طالب؟

(خرداد ۱۴۰۲)

ب) هي لم تجتهد في دروسها:

(خرداد ۱۴۰۲)

ب) لئكرم والدينا:

(شهریور ۱۴۰۰)

ب) لا تخرجوا من الصف:

د) المخرج من المصنع:

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

ج) قد يلعب الطفل في العرة:

ب) كانوا قد لعبوا في الخديقة:

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

ب) لا تتظاهروا بالمرض عند الامتحان:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

ج) الوالدان لن يكتبوا شيئاً:

ب) سنكتب رسالة لصدقينا:

(شهریور ۹۸)

ب) أشاهد:

د) المشاهدة:

(دی ۹۹)

ج) كان يتقرب:

ب) لا تتقربوا:

(پرتکرار (دی ۹۹ و ۱۴۰۰))

ب) العفار:

د) قد غفر الله عبده:

ب) المحمود:



مشاوره: این قسمت به نوعی زیرمجموعه ترجمه انواع فعل و اسم است، ولی صرفاً بر پایه زمان فعل نیست، بلکه نکات مختلفی مثل افعال شبیه به هم، صیغه فعل‌ها و... در آن‌ها مورد توجه است که به‌طور کلی این بخش را جذاب و چالشی می‌کند، پس با حوصله و دقت نظر به آن‌ها پاسخ دهید.

۱۸) اِنْتِخِبِ التَّرْجُمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْأَفْعَالِ وَ لِلْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ :

- | | | |
|--|---|--|
| <input type="checkbox"/> ۴۰۳. عَفَرْنَا: | <input type="checkbox"/> الف) بخشیدیم | <input type="checkbox"/> ب) طلب بخشش کردیم |
| <input type="checkbox"/> ۴۰۴. إِغْفِرِي: | <input type="checkbox"/> الف) ببخش | <input type="checkbox"/> ب) مرا ببخش |
| <input type="checkbox"/> ۴۰۵. الْغَافِرُ: | <input type="checkbox"/> الف) آمرزش خواهنده | <input type="checkbox"/> ب) بخشنده |
| <input type="checkbox"/> ۴۰۶. قَدْ تَغْفِرُ: | <input type="checkbox"/> الف) بخشیده است | <input type="checkbox"/> ب) شاید ببخشد |
| <input type="checkbox"/> ۴۰۷. لَعَلَّهُمْ يَغْفِرُونَ: | <input type="checkbox"/> الف) شاید بخشیده باشند | <input type="checkbox"/> ب) امید است که ببخشند |
| <input type="checkbox"/> ۴۰۸. لَمَّا اسْتَغْفَرْتُ: | <input type="checkbox"/> الف) هنگامی که طلب بخشش کردم | <input type="checkbox"/> ب) طلب آمرزش نکرده‌ام |
| <input type="checkbox"/> ۴۰۹. كُنْتُ تَسْتَغْفِرُ: | <input type="checkbox"/> الف) طلب آمرزش کرده بودی | <input type="checkbox"/> ب) طلب آمرزش می‌کردی |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۰. اسْتَغْفِرَنَّ: | <input type="checkbox"/> الف) طلب بخشش کنید | <input type="checkbox"/> ب) طلب بخشش کردند |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۱. الْجَالِسُ: | <input type="checkbox"/> الف) نشسته | <input type="checkbox"/> ب) هم نشین |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۲. لَمْ تَجْلِسِي: | <input type="checkbox"/> الف) برای چه می‌نشینید | <input type="checkbox"/> ب) ننشستید |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۳. لَمَّا جَلَسْتِ: | <input type="checkbox"/> الف) ننشسته‌ای | <input type="checkbox"/> ب) وقتی نشستی |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۴. لَمْ يُجَالِسَنَّ: | <input type="checkbox"/> الف) هم نشینی نکردند | <input type="checkbox"/> ب) برای چه می‌نشینند |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۵. جُلُوسُ: | <input type="checkbox"/> الف) هم نشینی کردن | <input type="checkbox"/> ب) نشستن |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۶. الْإِجْلَاسُ: | <input type="checkbox"/> الف) نشاندن | <input type="checkbox"/> ب) نشستن |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۷. كُنَّا نَجْلِسُ: | <input type="checkbox"/> الف) می‌نشستیم | <input type="checkbox"/> ب) می‌نشینیم |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۸. لَمْ تَكُنْ قَدْ جَلَسْتِ: | <input type="checkbox"/> الف) ننشسته بود | <input type="checkbox"/> ب) نشسته است |
| <input type="checkbox"/> ۴۱۹. الْمُجَلِّسُ: | <input type="checkbox"/> الف) نشانده شده | <input type="checkbox"/> ب) نشسته |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۰. أَجْلِسُوا: | <input type="checkbox"/> الف) نشانند | <input type="checkbox"/> ب) بنشانید |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۱. الْمُسْتَرْجِعُ: | <input type="checkbox"/> الف) پس‌گیرنده | <input type="checkbox"/> ب) پس‌گرفته شده |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۲. لَمْ يَرْجِعْ: | <input type="checkbox"/> الف) چرا برمی‌گردد | <input type="checkbox"/> ب) برنگشت |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۳. كَانُوا يَرْجِعُونَ: | <input type="checkbox"/> الف) برمی‌گشتند | <input type="checkbox"/> ب) برگشته بودند |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۴. لَقَدْ رَجَعْنَا: | <input type="checkbox"/> الف) قطعاً برگشته‌ایم | <input type="checkbox"/> ب) برگشتیم |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۵. قَدْ تَسْتَرْجِعِينَ: | <input type="checkbox"/> الف) شاید پس‌گیری | <input type="checkbox"/> ب) گاهی پس‌می‌گیرید |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۶. لَمْ يَسْتَرْجِعَنَّ: | <input type="checkbox"/> الف) پس نگرفتند | <input type="checkbox"/> ب) چرا پس‌می‌گیرند |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۷. لَيْتَهُ اسْتَرْجَعَ: | <input type="checkbox"/> الف) کاش پس‌می‌گرفت | <input type="checkbox"/> ب) کاش پس‌بگیرد |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۸. شَاهِدْنَا: | <input type="checkbox"/> الف) ما را دید | <input type="checkbox"/> ب) دیدیم |
| <input type="checkbox"/> ۴۲۹. لِنَكْتُبْ: | <input type="checkbox"/> الف) برای اینکه بنویسی | <input type="checkbox"/> ب) باید بنویسی |
| <input type="checkbox"/> ۴۳۰. كُنَّ كَتَبْنَ: | <input type="checkbox"/> الف) نوشته بودند | <input type="checkbox"/> ب) نوشتند |
| <input type="checkbox"/> ۴۳۱. سَوْفَ تُكَاتِبِينَ: | <input type="checkbox"/> الف) نامه‌نگاری خواهید کرد | <input type="checkbox"/> ب) خواهند نوشت |
| <input type="checkbox"/> ۴۳۲. لِنَكْتُبْ: | <input type="checkbox"/> الف) باید بنویسیم | <input type="checkbox"/> ب) تا بنویسیم |
| <input type="checkbox"/> ۴۳۳. يُعَلِّمُ: | <input type="checkbox"/> الف) می‌داند | <input type="checkbox"/> ب) دانسته می‌شود |
| <input type="checkbox"/> ۴۳۴. الْمُتَعَلِّمُ: | <input type="checkbox"/> الف) یادگیرنده | <input type="checkbox"/> ب) آموزش‌دهنده |

۴۳۵. الْمُعَلَّمُونَ: الف) یادگرفته‌ها ب) یاددهندگان
۴۳۶. أُعْلِمُ: الف) می‌دانم ب) آموزش می‌دهم
۴۳۷. قَدْ نَعَلِمُ: الف) شاید بدانیم ب) شاید دانسته باشیم
۴۳۸. كَانَ الْأَسَاتِيدُ قَدْ عَلِمُوا: الف) اساتید دانسته‌اند ب) اساتید دانسته بودند
۴۳۹. تَعَلَّمِي: الف) یاد بده ب) یاد بگیر
۴۴۰. الذَّاكِرُ: الف) به یادآورنده ب) یادکننده
۴۴۱. تَذَكَّرِي: الف) به یاد می‌آوری ب) به یاد آوردن
۴۴۲. لَنْ تَتَذَكَّرُوا: الف) هرگز به یاد نمی‌آورید ب) به یاد نخواهید آورد
۴۴۳. قَدْ تَذَكَّرْنَا: الف) گاهی به یاد می‌آوریم ب) به یاد آورده‌ایم
۴۴۴. كَانَتْ قَدْ ذَكَرْتُ: الف) یاد کرده بود ب) یاد می‌کرد
۴۴۵. أَلَا تَذَكَّرُوا: الف) تا یاد نکنید ب) هان! یاد کنید
۴۴۶. لِأَذَكِّرْ: الف) باید یاد کنم ب) تا یاد کنم

(سؤال ۳۳)

درک مطلب

مشاوره: معمولاً ۴ سؤال یعنی یک نمره از درک مطلب سؤال داریم که تکیه اصلی آن‌ها بر **کلیمات پرسشی** است. مثلاً باید بدانید در جواب به «لماذا» از «لِ» یا «لَنْ» استفاده می‌کنیم و یا در پاسخ به «أین» قید مکان می‌آوریم و ... پس حتماً دقت کنید که به سؤالات، دقیق پاسخ دهید و مثلاً نباید یک خط را در جواب بنویسید، بلکه فقط همان بخشی را که از شما می‌خواهند، بنویسید. ضمناً **متن‌های درک مطلب در گذشته عین متن کتاب بود**، ولی رفته‌رفته **متون امتحان نهایی تغییر کردند** و اخیراً (۱۴۰۲ و ۱۴۰۳) **متن‌ها کاملاً خارج از کتاب هستند** و فقط با لغات کتاب ساخته شده‌اند، یعنی آن متن برای شما آشنا نیست و داستانش را نشنیده‌اید، پس باید دقیق و با حوصله آن را بخوانید.

۱۹) اقرأ النصوص التالية ثم أجب عن الأسئلة:

«لینعض الأولاد أخ أو أخت من الرضاعة (شیرخوارگی) لیسوا من أم واحدة. هؤلاء الإخوان والأخوات یلعبون معاً فی صغر سنهم، و هم كالأصدقاء. و عندما یواجهون مشكلةً یتعاونون علی حلها. هذه المساعدة تُسبب التعزیر العلاقات (تحکیم روابط) بیئهم.» (خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۴۴۷. ماذا یفعل الأولاد عند مواجهة مشكلة؟

۴۴۸. متى یلعب الأولاد معاً؟

۴۴۹. ما هی نتیجه مساعدة الأولاد؟

۴۵۰. عین الصحیح حسب النص:

 الف) لعب الأولاد لیس له دور فی الصداقة بیئهم. ب) الأولاد من الرضاعة لیسوا من أم واحدة.

«الدلفین من عجائب خلق الله فی البحار. وزنه یبلغ ضعفی وزن الإنسان تقرباً. له دور مهم فی حياة الإنسان فی الحرب و السلم. و هو منقذ الإنسان من الخطر فی البحر أحياناً. كذلك یتكلم باستخدام أصوات معینة. سمک القرش عدوه. هو یقتل سمک القرش بأنفه الحاد.» (خرداد ۱۴۰۳ انسانی دهم)

۴۵۱. کیف یتكلم الدلفین؟

۴۵۲. من یساعد الإنسان فی البحر؟

۴۵۳. عین الصحیح و الخطأ حسب النص:

 الف) یقتل الدلفین بالأنف الحاد. ب) وزن الإنسان أقل من وزن الدلفین.

۴۷۰ «عند الخطر تلجأ بعض الطيور إلى حيل لطرده مفترسها عن عَشِّها، و من هذه الحيل أن أحد الطيور يتظاهر أمام مفترسه بأن جناحه مكسور و يتبعه المفترس عن عَشِّه».

(خرداد ۹۸ انسانی)

۴۷۲. من تلجأ إلى الحيل؟

۴۷۳. متى تلجأ بعض الطيور إلى الحيل؟

۴۷۴. لماذا تلجأ بعض الطيور إلى الحيل؟

۴۷۵. أين يتظاهر الطائر بأن جناحه مكسور؟

۴۷۶ «كان والد ألفريد قد أقام مصنعا للسائل السريع الانفجار، لذلك نوبل إهتم منذ صغره بمادة الديناميت التي لا تنفجر إلا بإرادة الإنسان و عمل على تطويرها (بهينه سازی) مجدداً، ليتمتع انفجارها. بنى مختبراً صغيراً ليجري فيه تجاربه، ولكن مع الأتسف انفجر المختبر و انهدم على رأس أخيه الأصغر و قتله».

(شهریور ۹۸ انسانی)

۴۷۶. كيف عمل ألفريد على تطوير مادة الديناميت؟

۴۷۷. لماذا بنى ألفريد المختبر الصغير؟

۴۷۸. على رأس من انهدم المختبر؟

۴۷۹. من كان قد أقام المصنع؟

قواعد دوازدهم (۸۴ سؤال)

(۵۳ سؤال)

شناخت و کاربرد حروف مشبّهة بالفعل

مشاوره: نکته جالب و شاید شوکه کننده از قواعد دوازدهم این است که معمولاً از قواعد هر درس بیشتر از نیم نمره سؤال نداریم و عملاً در بهترین حالت، ۲ نمره از کل قواعد دوازدهم در امتحان نهایی خرداد (پایان ترم) سؤال می آید. در اینجا نیز شما در بخش های مختلف با حروف مشبّهة و کاربرد معنایی آنها و سپس «لا» نفی جنس آشنا می شوید.

۲۰. عین الحروف المشبّهة بالفعل و ترجمهها:

۴۸۰. «لا تحزن إن الله معنا»

۴۸۱. «إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون»

۴۸۲. «كأن المشتري متردد في شراء البضاعة؛ ولكن البائع عازم على بيعها».

۴۸۳. «كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك».

۴۸۴. «فهذا يوم البعث و لكنكم كنتم لا تعلمون»

۴۸۵. «ليتنى أطيرو في السماء كالطيور».

۴۸۶. «و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً»

۴۸۷. «إن وعد الله حق و لكن أكثرهم لا يعلمون»

۴۸۸. «قال أعلم أن الله على كل شيء قدير»

۴۸۹. «لعل حميداً يسافر للمهمة الإدارية».

۴۹۰. «إنما الفوز لمن يعلم أن الله لا يريد أن يظلم أحداً»

۴۹۱. «صبرنا كثيراً و لكن ما جاء أخى، كأنه ما كان يعرف الأخبار»

۴۹۲. «إن يغفر ذنبك يمكن أن تكرر الأخطاء، فليتك نادماً»

۵۲۵. لَيْتَ الْأَعْبِينَ يَكْتَسِبُونَ دَرَجَاتٍ عَالِيَةً.
۵۲۶. لَعَلَّ كَلَامَ الْبَاطِلِ لَا يُجْرَى عَلَى لِسَانِنَا.
۵۲۷. «لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي»
۵۲۸. النَّاسُ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ مُكَشَّرُ أَصْنَامِهِمْ.
۵۲۹. «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ»
۵۳۰. «وَأَتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»
۵۳۱. إِعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الضَّرِّ.
۵۳۲. لَيْتَكُمْ تَتَّبِعُونَ مِنَ الْكَسَلِ فِي الْحَيَاةِ.
- الف) ستتحقق الجملة
- الف) لا أمل في حدوث الجملة
- الف) غير ممكن
- الف) المؤكد
- الف) للمُشابهة
- الف) للرجاء
- الف) للارتباط
- الف) لا نرجو وقوعه
- ب) وقوع الفعل بعيداً
- ب) قد يتحقق
- ب) حدوث الفعل صعب
- ب) التواضع
- ب) للتخمين
- ب) للتمنى
- ب) لإزالة الإيهام
- ب) الشك والتردد

(۳۱ سؤال)

شناخت انواع «لا»



مشاوره: در این قسمت باید سه نوع «لا» را خوب بشناسید (نفي جنس، نفي، نهی) که مجموعاً سخت نیست، چون از حرکت گذاری کلمه بعد به راحتی می‌توانید نوع «لا» را پیدا کنید. ضمن اینکه می‌دانیم «لا» نفي و نهی فقط با مضارع می‌آیند و نفي جنس با اسم می‌آید.

۲۳ عین نوع «لا» فی العبارات التالية:

۵۳۳. لَا بَلِيَّةَ أَصْعَبُ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۳۴. «لَا يَزْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزْحَمُ النَّاسَ»

۵۳۵. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۵۳۶. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۵۳۷. لَا تَلْمِذَ مِنْ شِيرَازٍ؟ لَا أَنَا مِنْ طَهْرَانَ.

۵۳۸. الثَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.

۵۳۹. لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ ظَنٍّ.

۵۴۰. «قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»

۵۴۱. لَا عَمَلَ لَكَ فِي الْمَجْتَمَعِ.

۵۴۲. لَا تَجْتَمِعِ الْخَصَلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ.

۵۴۳. لَا شَيْءَ أَضْرُّ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۴۴. لَا مُصِيبَةَ أَعْظَمَ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۴۵. لَا مِيرَاتٍ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

۵۴۶. لَا تَأْمُلْ عِنْدَ الْجَاهِلِ.

۵۴۷. «رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»

۵۴۸. لَا تَقُولُوا كَلِمَاتٍ عَنْ أَسْرَارِكُمْ لِلْآخِرِينَ.

۵۴۹. لَا تَجْلِيلَ فِي الْمَرَّاسِيمِ.

۵۵۰. يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَّكَاثَلَ.

۵۵۱. إِنْ لَا تُحَاوَلُوا تَفْشَلُوا.

۵۵۲. لَا تَعَارَفْ لِي مِنَ الْأَصْدِقَاءِ.

۵۵۳. لَا تَكْذِبِ الْمُؤْمِنَةَ الَّتِي لَا إِثْمَ لَهَا.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)



٢٤) اِنتِخِبْ نَوْعَ «لا» مِنْ بَيْنِ الْجَوَابِينَ:

- | | | |
|---|---|---|
| <input type="checkbox"/> الف) الناهية | <input type="checkbox"/> الف) النافية | ٥٥٤. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ (ص) لَا يَخْزُوكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ﴾ |
| <input type="checkbox"/> الف) النافية | <input type="checkbox"/> الف) النافية لِلْجِنْسِ | ٥٥٥. الْيَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ بَنُونَ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ | <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ | ٥٥٦. الْعَاقِلُ لَا يَتَكَلَّمُ عَن بَرَامِجِهِ بِالنَّاسِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ - النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ - النَّاهِيَّةُ | ٥٥٧. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ | ٥٥٨. لَا تُطَلِّبِ الشَّرَّ لِلْآخِرِينَ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ لِلْجِنْسِ | ٥٥٩. لَا عِبَادَةَ كَادَاءِ الْفَرَائِضِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ لِلْجِنْسِ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ لِلْجِنْسِ | ٥٦٠. لَا مَعْصِيَةَ أَثْقَلُ مِنَ الْغِيْبَةِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ | <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ | ٥٦١. أَطْلُبِينَ الْعِلْمَ وَلَا تَكْسَلْنَ فِي إِكْتِسَابِهِ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ - النَّاهِيَّةُ | <input type="checkbox"/> الف) النَّاهِيَّةُ - النَّاهِيَّةُ | ٥٦٢. لَا أَعْتَمِدُ عَلَى حَبِيبٍ لَا يُوفِي بَعْدَهُ. |
| <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ - النَّهْيِ | <input type="checkbox"/> الف) النَّهْيِ - النَّهْيِ | ٥٦٣. لَا تَبْتَعِدُوا عَنِّي حَتَّى لَا تَفْشَلُوا. |

قواعد پایه (سؤال ٢٠٣)

(سؤال ٢٠)

مقدمه و مرور کلیات

مشاوره: جهت مرور کلیات فعل و اسم و تقسیم بندی های مختلف آن ها چند تمرین می بینیم که این تمرین در سوالات تحلیل صرفی به شما بسیار کمک می کند! ضمناً با این موارد کمی موتور ذهنتان روشن می شود تا در ادامه به سراغ اصل مطلب برویم.

٢٥) اِنتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمُفْرَدَاتِ:

- | | | |
|---|---|----------------------------------|
| <input type="checkbox"/> الف) الاسم | <input type="checkbox"/> الف) الفعل المضارع | ٥٦٤. تَجَنَّبُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المذكر | <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | ٥٦٥. أَلِيَّة: |
| <input type="checkbox"/> الف) اسم التفضيل | <input type="checkbox"/> الف) الفعل المضارع | ٥٦٦. أَسْوَأُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) الفعل المضارع | <input type="checkbox"/> الف) الفعل الماضي | ٥٦٧. تَأَكَّدُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) مفردة «سِن» | <input type="checkbox"/> الف) المثني | ٥٦٨. أَسْنَانُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المفرد | <input type="checkbox"/> الف) الجمع | ٥٦٩. مِيرَاتُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) طَارَ | <input type="checkbox"/> الف) ظير | ٥٧٠. ماضٍ مِنْ فِعْلِ «يَطِيرُ»: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع السالم للمذكر | <input type="checkbox"/> الف) جمع التفسير | ٥٧١. قَرَابِينَ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | <input type="checkbox"/> الف) المذكر | ٥٧٢. نَارُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع المُكسَّر | <input type="checkbox"/> الف) المفرد | ٥٧٣. إِنْقَادُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع السالم للمؤنث | <input type="checkbox"/> الف) الجمع المُكسَّر | ٥٧٤. جِهَاتُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المذكر | <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | ٥٧٥. دُنْيَا: |
| <input type="checkbox"/> الف) الجمع المُكسَّر و مفردة «عافية» | <input type="checkbox"/> الف) المفرد المذكر | ٥٧٦. عَفَافُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المذكر | <input type="checkbox"/> الف) المؤنث | ٥٧٧. دَارُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المفرد | <input type="checkbox"/> الف) الجمع المُكسَّر | ٥٧٨. إِبْتِعَادُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المزيد الثلاثي | <input type="checkbox"/> الف) المجزء الثلاثي | ٥٧٩. تُذْرِكُ: |
| <input type="checkbox"/> الف) المزيد الثلاثي | <input type="checkbox"/> الف) المجزء الثلاثي | ٥٨٠. يُثْرِكُ: |

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

 (د) يُنَزَّلُ (ج) يُفْتَحُ (ب) يُضْرَبُ

۵۸۱. الفِعْلُ الْمَجْهُولُ:

 الف) يُضَلِّحُ

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

 (د) قُتِلَ (ج) سُرِبَ (ب) نَصَرَ

۵۸۲. الفِعْلُ الْمَعْلُومُ:

 الف) عَرَفَ

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

 (د) سَافِرُوا (ج) سَافِرُوا (ب) تُسَافِرُوا

۵۸۳. فِعْلُ الْأَمْرِ مِنَ «تَسَافِرُونَ»:

 الف) أُسَافِرُ

(۲۱ سوال)

شناخت و ترجمه انواع اسم

مشاوره: یکی از قسمت‌های ثابت و همیشگی نهایی، تشخیص و ترجمه انواع اسم است که ۲ نمره دارد، یعنی شما پنج نوع اسم را تشخیص می‌دهید (اسم فاعل، مفعول، مبالغه، تفضیل و مکان) و بابت هر کدام ۰/۲۵ می‌گیرید و سه اسم را نیز ترجمه می‌کنید که هر کدام ۰/۷۵ دارد و جمعاً می‌شود ۲ نمره شیرین و قابل کسب. فقط باید به ریزه کاری‌ها، اسم‌های شبیه به هم، نکات ترجمه هر نوع اسم و... توجه ویژه کنید.

۲۶. عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(دی ۹۸ انسانی)

۵۸۴. يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ - الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ يَتَحَدَّثُ مَعَ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ فِي الْمَخْفَلِ.

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

۵۸۵. الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثَتْ مَعَ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ فِي الْمَدْرَسَةِ. - أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا.

(شهریور ۱۴۰۰)

۵۸۶. كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَمَا يَتَذَكَّرُ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةَ يَسْتَأْذِنُ أَنْ يَزُورَهَا. - إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَاحًا فِي عَمَلِهِ. - إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ.

(دی ۹۹)

۵۸۷. شَاهِدَ جَمَاعَةً أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ. - عِنْدَمَا يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِيهِ، يَنْظَاهِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. - إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ.

(شهریور ۹۹)

۵۸۸. رَأَيْتُ الْمُهَنْدِسَ فِي الْمَصْنَعِ وَ هُوَ يَرْكَبُ السِّيَّارَةَ. - عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۵۸۹. الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثَتْ مَعَ جَمِيعِ الطُّلَّابِ. - يَنَامُ هَذَا السَّمَكُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. - قَامَ التَّلْمِيذُ عَنِ مَجْلِسِهِ لِلْأَسْتَاذِ.

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

۵۹۰. يَا رَارِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ، أَرْزُقْنِي.

(خرداد ۱۴۰۳ معارف یازدهم)

۵۹۱. اِخْتَلَفَ الْمُؤَرِّخُونَ فِي نَسَبِ ابْنِ الْهَيْثَمِ. - يَطِيرُ إِلَى الْأَسْفَلِ وَ إِلَى الشَّمَالِ. - لَا تَسْتَشِيرِ الْكُذَّابِ.

(شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

۵۹۲. شَجَرَةُ الْبَلُوطِ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ. - يَشْجَعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمْ. - قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

۵۹۳. «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» - قَامَ الْفَرْدُ بِإِنْشَاءِ الْمَصَانِعِ فِي عَشْرِينَ دَوْلَةً.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

- «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» - الْخَبِيرُ إِنْسَانٌ مُتَخَصِّصٌ بِأُمُورٍ مِهْنَتِيَّةٍ أَوْ بَرْنَامَجِ.

۵۹۴. الْكُفَّارُ - الْعَلَامُ - مَدَارِسُ - مُفْتَرِسٌ - أَصْحٌ - فَضْلِي

۲۰. ۵۹۵. يَا تَلْمِيذُ حَافِظْ عَلَى مَكْتُوبَاتِكَ!

۲۰. ۵۹۶. الْحُضَارُ يَجْلِسُونَ فِي أَشْهُرِ الْمَلْعَبِ!

۵۹۷. الْمُجَاهِدُونَ الْمُكْرَمُونَ فِي الْبَيْتِ!

۲۰. ۵۹۸. الْمُتَعَاوِنُ حَاضِرٌ عِنْدَ الْمَشَاكِلِ!

۲۰. ۵۹۹. صَدِيقِي عَسَالٌ يَدِيهِ وَ هُوَ مُنْزَعَجٌ!

۲۰. ۶۰۰. أَحَبُّ الْمُتَقَلِّبِينَ خَيْرُهُمْ خُلُقًا!

۲۷. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

(دی ۹۹)

۶۰۱. أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ. - أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِئَةَ كِتَابٍ.

(شهریور ۹۹)

۶۰۲. طَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. - «كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ»

(شهریور ۱۴۰۰)

۶۰۳. قَدْ أَضَافَ الْعَقَادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ. - شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْتَسِرَةً.

۲۸. عَيْنُ نَوْعَيْنِ مِنَ الْأَسْمِ ثُمَّ تَرْجِمُهُمَا:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۶۰۴. يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ: / - أَتَقَى النَّاسَ مِنْ قَالِ الْحَقِّ: /



مشاوره: معمولاً ۱/۲۵ تا ۱/۵ نمره را به خود اختصاص می‌دهد و جالب است که غالباً نقش‌های پایه را از شما می‌پرسند و شاید ۰/۲۵ از نقش‌های دوازدهم سؤال طرح شود. پس تمرکز اینجا بیشتر روی شناخت «فاعل»، «مفعول»، «مبتدا»، «خبر»، «صفت»، «مضاف‌الیه» و «جار و مجرور» است. البته ما در این قسمت از کتاب بر همه نقش‌ها تمرکز داریم؛ هم پایه و هم دوازدهم و تمرین متعّد و متنوعی را برایتان جمع‌آوری کرده‌ایم.

۲۹ عَيْنَ الْمَخَلِّ الْإِعْرَابِي لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحُطِّ:

۶۰۵ ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾

۶۰۶ الطَّلَابُ مَحْزُونُونَ لِأَنَّهُمْ رَسَبُوا.

۶۰۷ الفَلَاخُ الْمُجِدُّ يَزْرَعُ أَشْجَارًا.

۶۰۸ لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ.

۶۰۹ الْحِكْمَةُ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.

۶۱۰ لَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.

۶۱۱ حَاوِلْ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۶۱۲ الْعَلْمُ ضِيَاءٌ يُقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ.

۶۱۳ ﴿أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ الْمُبْدِرِينَ إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾

۶۱۴ وَمِنْ مُهَدَّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ إِجَادَةُ النَّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.

۶۱۵ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۶۱۶ اللَّهُ يَجْعَلُ أَيَّامَنَا كَثِيرَةً الْبَرَكَاتِ.

۶۱۷ الْخَفَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

۶۱۸ يُؤَدِّي سَمَكُ الْقَرْشِ دَوْرًا مَهْمًا فِي حَيَاتِنَا.

۶۱۹ اللَّهُ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

۶۲۰ حَارِثُ الْفُنْدُقِ يَسْهَرُ كُلَّ اللَّيْلِ مَعَ زَمِيلِهِ وَهُوَ فَرِحٌ.

۶۲۱ إِنَّمَا الْجِدَاعُ آلَةٌ لِلْمَرْءِ الضَّعِيفِ.

۶۲۲ رَبُّنَا الرَّحْمَنُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

۶۲۳ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾

۶۲۴ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهَةِ تَجَنُّبُ شَرْهَا.

۶۲۵ يَا إِلَهِي! نُورِ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ.

۶۲۶ ﴿إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ نَابِتٍ / وَحَيَاءٌ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ﴾

۶۲۷ ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾

۶۲۸ لَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نِقَادَ الْكَلَامِ.

۶۲۹ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنُ.

۶۳۰ لَا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً.

۶۳۱ كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ... لَا بَرَكَهَ فِيهِ.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(دی ۱۴۰۱)

(دی ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۲)

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

۶۳۲ ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾

۶۳۳ ﴿هَذَا الْأَمْرُ طَبِيعِيٌّ أَن تَتَغَيَّرَ أَصْوَاتُ بَعْضِ الْكَلِمَاتِ عِنْدَ الدُّخُولِ لِلغَةِ أُخْرَى.

۶۳۴ ﴿التَّذَاتُ فِي طَبِيعِيٍّ فِي كُلِّ إِنْسَانٍ وَيَجِبُ عَلَيْنَا الْاهْتِمَامُ بِهِ.

۶۳۵ ﴿أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْنَا الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا لَنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

۶۳۶ ﴿كَانَ أَقْوَامٌ الْأَنْبِيَاءَ كَافِرِينَ وَقَدْ ذَكَرَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ عَن صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَهُمْ.

۶۳۷ ﴿هَذَا الصَّنَمُ لَا يَتَكَلَّمُ؛ وَيَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ أَن يَسْتَهْزِئَ بِأَصْنَامِنَا.

۶۳۸ ﴿الصَّبْرُ الْكَثِيرُ مِفْتَاحُ كُلِّ الْخَيْرِ.

۶۳۹ ﴿أَيُّ كِتَابٍ عِلْمِيٍّ يُسَاعِدُ التَّلْمِيذَ

۶۴۰ ﴿إِشْتِاقُ الْأَبِّ إِلَى زِيَارَةِ مَكَّةَ.

۶۴۱ ﴿يَعْرِسَانِ فِي الْحَدِيقَةِ أَشْجَارًا قَصِيرَةً.

۶۴۲ ﴿لَا يَهْدُدُ الزَّرْعُ الطَّبِيعَةَ فِي مَرْزَعَتِهِ الْكَبِيرَةَ

۶۴۳ ﴿لَا تُقَلُّ مَا لَا تُجِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

۶۴۴ ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

۶۴۵ ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾

۶۴۶ ﴿الرَّجَاءُ تُوَدَّى دَوْرًا مُّهِمًّا فِي نَجَاحِ الْبَشَرِ.

۶۴۷ ﴿الْكَذِبُ هُوَ مُخْرَبُ الْإِيمَانِ.

۶۴۸ ﴿تلك موضوعات جديدة في جامعنا العالمية.

۶۴۹ ﴿وَاحْمِنِي وَاحْمِ بِلَادِي / مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ

۶۵۰ ﴿عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْعَرِ الْأَصْنَامِ.

۶۵۱ ﴿لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ﴾

۶۵۲ ﴿الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

۶۵۳ ﴿يَتَّبَعُ الْخَيْوَانُ طَائِرًا فِي عُنُقِهِ.

۶۵۴ ﴿تَجُتَّبِ النَّاسُ مِنَ الْكُذْبِ أَهْمٌ سَبَبٌ تَقْدُمُ الْبِلَادِ الْأُورُوبِيَّةِ فِي عَصْرِنَا الْحَاضِرِ.

(۵۰ سؤال)

سوالات ترکیبی

مشاوره: این قسمت ترکیب نقش یابی و شناخت انواع اسم است که در سطحی بالاتر در اینجا مورد سؤال واقع شده اند؛ پس با حوصله و دقت بیشتری آن ها را حل کنید؛ در واقع می توان گفت این تمرین یک چکاپ کامل از شرایط شما هستند و متنوع و جامع می باشند.

۳. عین المطلوب منک فی هذه العبارات:

۶۵۵ ﴿وَلَا يَحِزُّكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (المفعول - الفاعل - المضاف إليه):

۶۵۶ ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً﴾ - لا تكثبي على السبورة. (نهی - ماضی - مضارع - امر):

۶۵۷ ﴿تَنْمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. (مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَزْ):

۶۵۸ ﴿سَاعَدْتَنِي مُعَلِّمَتِي فِي حَلِّ تَمَارِينِي. (نون الوقاية):

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف)

(شهریور ۹۸ و دی ۹۹)

(خرداد ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)



٦٩٨. «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانِنَا.»

- الف) الحروف المشبهة: إنما - إنَّ إنَّ
- ب) الفاعل: الصنم إبراهيم

٦٩٩. «أَتَيْهَا الْبَنَاتُ؛ سَاعِدْنَ أُمَّكُنَّ لِاحْضَارِ الْبَضَائِعِ.»

- الف) المصدر المزيد: بضائع إحضار
- ب) المفعول: أمَّ أمكُنَّ

٧٠٠. «أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ.»

- الف) المفعول: آلهة هذا
- ب) المبتدأ: أنتَ إبراهيم

٧٠١. «فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، فَانْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.»

- الف) المفعول: الله ضمير «ه»
- ب) الحرف الجاز: ف من

٧٠٢. «التَّدْنِ لِلْإِنْسَانِ فِطْرِيٌّ وَ يَقُولُ التَّارِيخُ لَنَا مِنْ خَوَادِئِهِ.»

- الف) الخبر: فِطْرِيٌّ للإنسان
- ب) الفاعل: التاريخ التَّدْنِ

٧٠٣. «فَأَجَابَهُمْ: «لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.»»

- الف) المفعول: ضمير «هم» الكبير
- ب) الموصوف: الكبير الصنم

٧٠٤. «إِنَّمَا الْمُتَكَايِلُونَ ظَلَمُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَكِنْ مَا فَهَمُوا هَذَا الْمَوْضِعَ أَنْ التَّكَاسُلَ خَطِيئَةٌ كَبِيرَةٌ.»

- الف) الحروف المشبهة: ولكن - أنَّ أنَّ
- ب) المصدر: التكاثل خطيئة

(٣٠ سؤال)

انتخاب گزینه صحیح، صرف فعل و ساختار جمله

مشاوره: معمولاً نیم نمره، یعنی دو تا ۲/۵، از صرف فعل و اصولاً مسائل مربوط به ساختار جمله سؤال داریم که غالباً به شکل سه گزینه ای است. این قسمت چندان دشوار نیست، ولی بیشتر بچه ها در آن نمره از دست می دهند، چون قیلق حل آن ها را بلد نیستند، به همین خاطر سوالات زیادی را به همراه الگوهای حل آن ها برایتان آورده ایم. به عنوان یک نکته کلیدی حواستان باشد که کل جمله را بخوانید و از قرینه ها، اسم ها، ضمایرو... بفهمید که فعل یا اسم مناسب برای جمله کدام است و در چه صیغه ای باید باشد. ضمناً، لطفاً حتماً پاسخ نامه و علت رد و قبول گزینه ها را بررسی کنید.

٢٢) انتخاب الصَّحِيحِ للعبارة التَّالِيَةِ:

٧٠٥. _____ في اليوم الماضي دروسك إلا هذا الدرس. (ما قرأت - ما قرأت - لا تُقرأ)

٧٠٦. _____ الرُّجَالُ كُنَحُوا الْمَسْجِدَ. (يَذْهَبُونَ - تَذْهَبُونَ - يَذْهَبُ)

٧٠٧. _____ سَوَارِعُ قُرْبِ الْمَطَارِ. (هذه - اولئك - هؤلاء)

٧٠٨. لا _____ بالنسب محمود. (فخرًا - فخر - الفخر - فخر)

٧٠٩. أتيها المهندسُ هل _____ الحل؟ (تعرف - اعرفي - تعرفين - عرفت)

٧١٠. _____ لذنبك عند الله. (استغفر - استغفري - استغفرون)

٧١١. _____ كأنه بُنيانٌ مرصوص. (المقاتل - المُقاتلة - المُقاتلون)

٧١٢. _____ على الناس أن يكونوا _____ الكلام. (نقاد - نقاد - ناقد)

٧١٣. كانت مجموعة كبيرة من الفئران _____ على الخضراوات. (تَهْجَمُ - يَهْجَمُونَ - يَهْجَمُ)

٧١٤. ليتني _____ جميع مَدَنِ بِلَادِي. (يُشَاهِدُ - أَسَاهِدُ - تُشَاهِدُ)

٧١٥. العَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ _____ في المَصْنَعِ. (يَسْتَعْمِلُونَ - تَسْتَعْمِلُونَ - يَسْتَعْمِلُنَّ)

(خرداد ۹۸ انسانی)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(شهریور ۹۸)

۷۱۶. قَدْ الْمُؤْمِنَاتُ رَبَّهُنَّ. (دَكَرَتْ - دَكَرَ - دَكَرْنَ)
۷۱۷. الرُّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. (حَضَرَ - حَضَرْنَ - حَضَرُوا)
۷۱۸. اللَّاعِبُونَ الْإِيرَانِيِّونَ مِنَ الْمُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ. (رَجَعُوا - رَجَعُوا - رَجَعْتُمْ)
۷۱۹. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ رَبُّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (اعْبُدْنِ - اعْبُدُوا - يَعْبُدْنَ)
۷۲۰. عَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ مِنَ الْوَجْهِ النَّافِعِ. (يَسْتَفِيدُ - تَسْتَفِيدُ - يَسْتَفِيدَ)
۷۲۱. الظَّالِمَاتُ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ. (تَجْتَهِدُ - تَجْتَهِدْنَ - يَجْتَهِدْنَ)
۷۲۲. الْمُتَفَرِّجُونَ قَرِيبَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ. (سَجَّعَ - سَجَّعَتْ - سَجَّعُوا)
۷۲۳. وَالذَّنَى فِي مَوْسِمَةِ ثِقَافِيَّةٍ. (اشْتَعَلَ - سَيَسْتَعِلُ - تَشْتَعِلُ)
۷۲۴. الْمُضَارِعُ مِنَ «جَاهَدْنِ» (يُجَاهِدُونَ - يُجَاهِدْنَ - تُجَاهِدْنَ)
۷۲۵. التَّهْيُ مِنَ «تَتَكَاسَلْنَ» (لَا تَتَكَاسَلْنَ - لَا تَتَكَاسَلُوا)
۷۲۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَثِيرًا مِنَ الظُّلْمِ. (اجْتَنِبْ - اجْتَنِبُوا - اجْتَنِبْنَ)
۷۲۷. إِنَّهَا لَمْ شَيْئًا. (تَصْنَعُ - تَصْنَعُ - يَصْنَعُ)
۷۲۸. الْأَنْزَارُ الْقَدِيمَةُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. (تُؤَكِّدُ - يُؤَكِّدُونَ - يُؤَكِّدُ)
۷۲۹. «لَا فِي الدِّينِ» (إِكْرَاهُ - إِكْرَاهُ - إِكْرَاهُ)
۷۳۰. أَيُّهَا الظَّالِمُ لَا مَعَ غَيْرِكَ. (تَتَكَلَّمُ - تَتَكَلَّمُ - يَتَكَلَّمُ)
۷۳۱. اِعْمَلْ لِأَخْرَجِكَ كَأَنَّكَ غَدًا. (يَمُوتُ - تَمُوتُ - تَمُوتُ)
۷۳۲. الْمُؤْمِنُونَ كَلَامَ الْحَقِّ. (يَقُولُونَ - يَقُولُ - تَقُولُ)
۷۳۳. النَّاسُ غِيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً. (المضارع من «شاهدوا» (يُشَاهِدُونَ - يُشَاهِدْنَ - يُشَاهِدُونَ)
۷۳۴. كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ. (الأمر من «إحسان») (أَحْسِنُ - يُحْسِنُ - أَحْسِنُ)

(سؤال ۳۲)

تحليل صرفی



مشاوره: همواره نیم نمره را به خود اختصاص داده و در غالب دو سؤال تستی (دوگزینه‌ای) مطرح می‌شود. به‌طور کلی برای حل آن‌ها باید چکیده‌ای از تمام قواعد بدانید، اما معمولاً سطح این سوالات متوسط و منطقی است و حتی غالباً گزینه اشتباه، بیش از یک غلط دارد که طبیعتاً کار را برایتان ساده‌تر می‌کند. ضمناً محوریت این سوالات روی مطالب سال دهم یعنی زمان و صیغه فعل، معلوم و مجهول بودن، مجرد و مزید بودن و یا انواع اسم و جنسیت و معرفه و نکره و ... است.

۳۲) اِنْتَجِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَعْلَى الْإِعْرَابِيِّ لِلْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ :

(خرداد ۹۸)

۷۳۵. «إِزْدَادَاتُ الْخُرَافَاتِ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ»

إِزْدَادَاتُ:

 (ب) فِعْلٌ مَاضٍ، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَعْلُومٌ / فِعْلٌ

 (الف) فِعْلٌ مَاضٍ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَجْهُولٌ / مُبْتَدَأٌ

العُصُورُ:

 (ب) اِسْمٌ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ / مَفْعُولٌ

 (الف) اِسْمٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ / مُضَافٌ إِلَيْهِ

(دی ۱۴۰۲ انسانی)

۷۳۶. «لَا يَحْضُرُ الشُّبَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ»

الشُّبَّاحُ:

 (ب) اِسْمٌ مُبَالِغَةٌ، مَفْرَدٌ مَذَكَّرٌ، مَعْرَفَةٌ / مُبْتَدَأٌ

 (الف) اِسْمٌ فَاعِلٍ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ، مَعْرَفَةٌ / فَاعِلٌ

لَا يَحْضُرُ:

 (ب) فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَنفِيٌّ، مَعْلُومٌ / فِعْلٌ

 (الف) فِعْلٌ نَهْيٌ، مَعْلُومٌ، مَجْرَدٌ ثَلَاثِيٌّ / خَبَرٌ



(خرداد ۹۸ انسانی)

۲۳۷. «الْمُؤْمِنُ لَا يُظْلَمُ الْآخِرِينَ لِأَنَّهُ لَا يُحِبُّ أَنْ يُظْلَمَ»

المؤمن:

(ب) اسم فاعل، مفردٌ مذكّر، معرّفٌ بآل / مبتدأ

(الف) اسم، جمع تكسير، معرّفٌ بالعلميّة / فاعلٌ

يُظْلَمُ:

(ب) فعلٌ، مفردٌ مذكّر غائب، مجهولٌ، ثلاثيٌّ مزيدٌ / فعلٌ والجملة فعلية

(الف) فعلٌ مضارعٌ، مفردٌ مذكّر غائب، ثلاثيٌّ مجردٌ، معلومٌ / خبرٌ

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

۲۳۸. «لَا تُظْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ»

لا تُظْعِمُوا:

(الف) فعلٌ نهي، جمعٌ مذكّر مخاطب، ثلاثيٌّ مزيدٌ، معلومٌ / فعلٌ والجملة فعلية

(ب) فعلٌ نهي، مفردٌ مذكّر مخاطب، ثلاثيٌّ مجردٌ، معلومٌ / فاعلٌ

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

المساكين:

(ب) اسمٌ، جمعٌ تكسيرٌ ومفردةٌ «مسكين»، معرّفٌ بآل / مفعولٌ

(الف) اسمٌ، جمعٌ تكسيرٌ، اسمٌ فاعلٍ، نكرةٌ / فاعلٌ

پُرْتَكَر (شهریور ۱۴۰۰ و خرداد ۹۹ انسانی)

۲۳۹. «تَذْهَبُ الْمُعَلِّمَةُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ»

تَذْهَبُ:

(الف) فعلٌ مضارعٌ، مفردٌ مؤنّثٌ غائب، ثلاثيٌّ مجردٌ، معلومٌ / فعلٌ والجملة فعلية

(ب) فعلٌ مضارعٌ معلوم، مفردٌ مذكّر مخاطب، ثلاثيٌّ مزيدٌ / فاعله «المُعَلِّمَةُ»

المكّتبة:

(الف) اسمٌ تفضيلٌ، مفردٌ، معرفةٌ، من مادة «ك ت ب» / مضافٌ إليه

(ب) اسمٌ مكانٍ، مفردٌ، مؤنّثٌ، معرّفٌ بآل / مجرورٌ بحرف جرّ (إلى) المكّتبة: جازٌ و مجرورٌ

(خرداد ۹۹ انسانی)

۲۴۰. «يَجْعَلُ اللَّهُ الْيَوْمَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ»

يَجْعَلُ:

(الف) فعلٌ مضارعٌ، مفردٌ مذكّر غائب، ثلاثيٌّ مجردٌ، معلومٌ / فعلٌ والجملة فعلية

(ب) فعلٌ، مفردٌ مذكّر غائب، ثلاثيٌّ مزيدٌ / فعلٌ و فاعله «الله»

البركات:

(ب) اسمٌ، جمعٌ مؤنّثٌ سالمٌ، معرّفٌ بآل، معربٌ / مضافٌ إليه

(الف) اسمٌ، جمعٌ تكسيرٌ، معرّفٌ بالعلميّة، معربٌ / صفةٌ

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۲۴۱. «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...»

جَعَلْنَا:

(ب) فعلٌ ماضٍ، ثلاثيٌّ مزيدٌ من بابٍ إفعالٍ / فعلٌ و فاعلٌ

(الف) فعلٌ ماضٍ، ثلاثيٌّ مجردٌ، معلومٌ، لِمُتَكَلِّمٍ مع الغير / فعلٌ و فاعلٌ

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

۲۴۲. «أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»

أَقِمَّ:

(ب) فعلٌ أمرٌ، مجهولٌ، مجردٌ ثلاثيٌّ / جملةٌ فعليةٌ

(الف) فعلٌ أمرٌ، معلومٌ، مزيدٌ ثلاثيٌّ / جملةٌ فعليةٌ

الدين:

(ب) اسمٌ، مفردٌ، مُذَكَّرٌ، معرّفٌ بآل / مجرورٌ بحرف جرّ (لِلدِّينِ: جازٌ و مجرورٌ)

(الف) اسمٌ، مفردٌ و جمعٌ «أديان»، معرّفٌ بالعلميّة / مفعولٌ

(شهریور ۹۸ انسانی)

۲۴۳. «يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيْقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ الْيَوْمَ»

يُشَجِّعُ:

(الف) فعلٌ مضارعٌ، ثلاثيٌّ مجردٌ، مجهولٌ / فعلٌ و فاعله «الْمُتَفَرِّجُونَ»

(ب) فعلٌ مضارعٌ، مفردٌ مذكّر غائب، ثلاثيٌّ مزيدٌ من بابٍ تفعيلٍ، معلومٌ / فعلٌ

الفائز:

(ب) اسمٌ، مفردٌ، مذكّر، معرّفٌ بالعلميّة / مفعولٌ

(الف) اسمٌ فاعلٍ، مذكّر، معرّفٌ بآل / صفةٌ